

# پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران

شماره شابا الکترونیکی: ۳۳۴۵-۵۵۰۰

شماره شابا: ۳۳۴۵-۵۳۲۵

نشریه علمی - پژوهشی پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران شماره ۵ دوره سوم پاییز و زمستان ۱۳۹۲

گروه باستان‌شناسی دانشکده مهندسی معماری دانشگاه بوعلی سینا

- صنایع سنگی محوطه چیا سبز شرقی، سد سیمره: تغییرات تکنولوژیکی از دوره انتقالی نوسنگی به نوسنگی بی‌سفال در غرب ایران  
حجت دارابی ..... ۲-۲۴
- حوزه آب‌گیر رودخانه قزل‌اوزن در دوره مس‌وسنگ: براساس بررسی‌های باستان‌شناختی شهرستان بیجار  
امیر ساعدموجشی ..... ۲۵-۵۰
- بررسی تغییرات فرهنگی دشت کنگاور از دوره مس‌سنگ تا پایان عصر مفرغ بر اساس مدل‌های استقرار  
عباس مترجم و طیبه الماسی ..... ۵۱-۶۲
- مطالعه پتروگرافی سفال عصر آهن غار هوتو  
امیرصادق نقشبند، الناز حاتمی و هومن نیکروان‌متین ..... ۶۳-۷۸
- محوطه‌ها و استقرارهای اشکانی جزیره‌ی قشم  
علیرضا خسروزاده ..... ۷۹-۱۰۰
- بررسی باستان‌شناختی پهنه فرهنگی نیشابور از منظر معدن‌کاوی و فلزکاری کهن در دوران اسلامی  
سولماز حاجی‌علیلو و هایدده لاله ..... ۱۰۱-۱۲۰
- گونه‌شناختی و معرفی سفالینه‌های دوران اسلامی بلوچستان (مکران جنوبی)  
سید رسول موسوی‌حاجی، محمد مهدی توسلی، روح‌الله شیرازی و مریم زور ..... ۱۲۱-۱۴۰
- مطالعه ساختار، ویژگی‌های تکنیکی و زمینه‌های تاریخی ساخت بنای گنبد قابوس  
مریم محمدی، کاظم ملازاده و سینا فرامرزی ..... ۱۴۱-۱۵۴
- پژوهشی تحلیلی بر جلوه‌های آیات قرآنی بر آثار فلزکاری ایران در دوران صفوی و قاجار «با استناد به آثار فلزی موزه ملی ایران»  
مجید ساریخانی ..... ۱۵۵-۱۶۸
- بررسی جایگاه مهندسی ژئوماتیک در کاربردهای میراث‌فرهنگی - باستان‌شناسی و معماری  
سعید علی‌ناجر و سمیه افشاری‌آزاد ..... ۱۶۹-۱۹۵

## ویژگی‌های کلی مقاله مورد پذیرش

هدف نشریه‌ی علمی - پژوهشی پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران انتشار پژوهش‌ها و تجربه‌های علمی در زمینه‌های باستان‌شناسی و تاریخ هنر و معماری است.

نوشتر باید نتیجه پژوهش‌های نویسنده (یا نویسندگان) بوده و در نشریه دیگر منتشر نشده باشد.

پذیرش مقاله برای چاپ پس از داوری و با تایید در جلسه هیئت تحریریه مجله است.

درستی نوشته‌ها با خود نویسنده (یا نویسندگان) مقاله است.

مقاله باید بر یک روی صفحه استاندارد (۲۱×۳۰ سانتیمتر) و با اندازه (سایز) ۱۳ و قلم (فونت) B Mitra با فرمت ۲۰۰۳ و ۲۰۰۷ WORD و تنظیم حواشی ارسال شود.

برای ارسال مقاله امکان استفاده از پست الکترونیکی (E-Mail) به آدرس: Journal.nbsh@yahoo.com و یا NBJ@basu.ac.ir نیز فراهم است.

صفحه اول باید شامل نام و نشانی کامل و شماره تلفن نویسنده، پست الکترونیک و محل خدمت و مرتبه‌ی علمی وی باشد.

در صورتی که مقاله برگرفته از پایان‌نامه نویسنده باشد، مجوز و ذکر نام استاد راهنما الزامی است.

نوشترها باید به ترتیب شامل: عنوان، چکیده، مقدمه، روش تحقیق، پیشینه‌ی تحقیق، مبانی نظری، بدنه تحقیق شامل موضوعات مختلف، نتیجه‌گیری و تشکر،

فهرست منابع طبق راهنمای شیوه ارجاع و چکیده انگلیسی باشد.

چکیده باید بیان‌کننده تمام نوشتار باشد. چکیده فارسی نباید بیشتر و یا کمتر از ۳۰۰ کلمه باشد.

چکیده انگلیسی بایستی ۶۰۰ کلمه باشد و در برگزیده بخش‌های مهم و نتیجه‌گیری مقاله باشد.

عناوین جدول‌ها با ذکر شماره در بالا و تصاویر، نقشه‌ها، طرح‌ها و نمودارها با ذکر شماره (توضیحات و ذکر منابع) در پایین ضروری است.

تصاویر، جدول‌ها، نمودارها، نقشه‌ها و طرح‌ها باید داخل متن قرار گرفته و یک نسخه از آن‌ها به‌صورت مجزا در یک فایل جداگانه و با فرمت JPG و کیفیت

DPI ۳۰۰ هم‌راه مقاله به دفتر نشریه ارسال گردد.

مقاله نباید از ۲۰ صفحه استاندارد (۲۴ سطری A۴) بیشتر باشد.

مقاله فقط به زبان فارسی پذیرفته می‌شود.

- "عنوان" شامل موضوع مقاله، نام و نام خانوادگی نویسنده و مرتبه علمی و دانشگاه محل تدریس و تحصیل وی است؛ عنوان مقاله باید گویا و بیانگر محتوای نوشتار باشد.

- "چکیده" شرح مختصر، اما جامعی از مسائلی محتوایی و نوشتاری شامل: بیان مسئله، هدف، ماهیت پژوهش، نکته‌های مهم و نتیجه بحث است.

- "کلیدواژه‌گان" شامل چهار تا شش واژه تخصصی که بسامد و اهمیت آن در متن مقاله بیش از سایر واژه بوده است.

- "مقدمه" شامل طرح مسئله اصلی است که مورد پذیرش و هدف پژوهشگر از بررسی و انتشار آن است؛ در این بخش باید به اجمال پیشینه و فرضیات پژوهشی و

پرسش‌های اصلی باید مشخص گردد که در طی بررسی به آن پرداخته شود.

- "روش تحقیق" شامل ذکر بسیار مختصر روش و ابداعات نویسنده در پژوهش در این زمینه است.

- بحث و نتیجه‌گیری و تشکر شامل متن اصلی مقاله و بحث نتیجه‌گیری با روش منطقی و مفید و روشن‌گر مسئله مورد پژوهش است و می‌تواند با جدول، تصویر

و نمودار و... هم‌راه باشد.

- "سپاسگزاری" در پایان این بخش نویسنده، راهنمای دیگران - که در نوشتن مقاله موثر بوده‌اند - را یادآوری و از ایشان مختصراً سپاسگزاری می‌نماید.

### شیوه ارجاع به منابع:

ارجاعات مندرج در مقاله، مستند و مبتنی بر منابع خواهد بود و از معتبرترین منابع استفاده شود.

در باره آثار مفقود و نیز منسوب، به منابعی که از آن‌ها یاد کرده و یا توضیحی داده‌اند، ارجاع داده می‌شود.

ارجاع داخل متن مقاله: نام خانوادگی نویسنده، سال چاپ اثر: شماره صفحه یا صفحات؛ مثال فارسی: (نگهبان، ۱۳۷۸: ۱۱۲).

درباره استفاده از سنت شفاهی (مصاحبه با افراد خبره و صاحب نظر) به‌صورت زیر ارجاع دهی صورت گیرد و در بخش تشکر از ایشان سپاسگزاری شود (حسینی،

مصاحبه شونده، ۱۳۹۰/۱/۱۲).

### ارجاع پایانی متن مقاله (منابع و ماخذ):

#### فارسی:

ارجاع به کتاب:

- نام خانوادگی، نام، و نام و نام خانوادگی سایر افراد دخیل؛ تاریخ چاپ اثر، "نام اثر"، ترجمه‌ی...، تعداد جلد...، نام محل نشر؛ نام ناشر.

ارجاع به مقالات دانشنامه‌ها (دایره‌المعارف‌ها) فصلنامه‌ها، مجلات و نمونه‌های دیگر:

- نام خانوادگی، نام، تاریخ چاپ اثر، "نام مقاله"، نام مجموعه مقالات، تعداد جلد، محل نشر؛ نام ناشر، شماره صفحه آغاز و پایان مقاله.

#### لاتین:

در کتاب‌نامه لاتین حروف اول باید بزرگ باشد و بین فواصل ویرگول قید شود.

ارجاع به کتاب:

Ward-Perkins, J.B 1990. Roman Imperial Architecture London, Penguin Books.

### ارجاع به مقالات مجله‌ها:

Trinkaus, E. 1982. Artificial Cranial Deformation in the Shanidar 1 and 5 Neanderthals. Current Anthropology 23 (2): 198-199.

### ارجاع به مجموعه مقالات:

Liverani, M 2003. "The Rise and Fall of Media" Continuity of Empire (?): Assyria, Media, Persia, ( Lanfranchi, G.B and others) eds. Padova, 1-12.

### ارجاع به پایان نامه‌ها:

Blom, D.E. 1999. Tiwanaku Regional Interaction and Social Identity, a Bioarchaeological Approach, Ph. D Thesis, Department of Anthropology, University of Chicago.

### نکات دیگر در باب ارجاع به منابع:

- منابع مقاله به‌صورت الفبایی و بر اساس نام مؤلف تنظیم می‌شود؛ منابعی که در پایان مقاله ذکر می‌شود همان منابعی است که در داخل متن استفاده شده است.

- در صورتی که یک نویسنده منابع متعدد مربوط به سال‌های مختلف استفاده کرده باید به ترتیب تاریخ انتشار باشد.

- در صورتی که از یک نویسنده منابعی ذکر شود که مربوط به یک سال شمسی یا میلادی به این صورت عمل شود: (مجیدزاده، ۱۳۸۷ الف: ۱۵) و (مجیدزاده، ۱۳۸۷ ب: ۳۵).

- در صورتی که مؤلف منبع اثر، معلوم نباشد، نام اثر جایگزین نام مؤلف می‌شود.

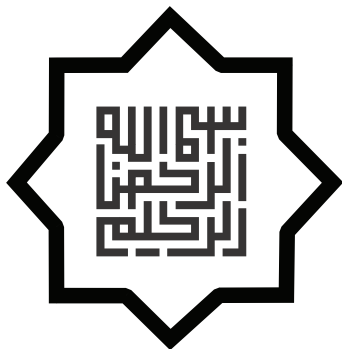
- عنوان کتاب‌ها و مقاله‌ها در منابع پایانی مقاله به‌طور کامل ذکر خواهد شد.

- منابع غیر فارسی، پس از منابع فارسی و به ترتیب، عربی، انگلیسی، فرانسوی و... آورده شود.

- هر توضیح دیگری غیر از ارجاع به منابع مورد استفاده، در پی‌نوشت، ذکر شود.

- مقاله‌های علمی-پژوهشی را به‌عنوان سردبیر نشریه هم‌راه با درخواست کتبی نویسنده و یا نویسندگان مقاله باشد و به نشانی: " همدان، میدان فلسطین، بلوار غبار

همدانی دفتر مجله، دانشکده‌هنر و معماری " و یا به نشانی پست الکترونیکی نشریه ارسال فرمایید.



# پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران

دو فصلنامه‌ی علمی - پژوهشی

پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران

گروه باستان‌شناسی

دانشکده هنر و معماری دانشگاه بوعلی سینا

شماره شاپا: ۵۲۲۵-۲۳۴۵

شماره شاپا الکترونیکی: ۵۵۰۰-۲۳۴۵



شماره شاپا: ۵۲۲۵-۲۳۴۵  
شماره شاپا الکترونیکی: ۵۵۰۰-۲۳۴۵

دوفصلنامه پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران دارای درجه علمی - پژوهشی بر اساس مجوز شماره ۳/۱۸/۵۴۷۳۹۸ از کمیسیون بررسی نشریات علمی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری می‌باشد.

مقالات مندرج لزوماً نقطه نظر دوفصلنامه پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران نیست و مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان گرامی می‌باشد. استفاده از مطالب و کلیه تصاویر نشریه با ذکر منبع بلامانع است.



دو فصلنامه علمی - پژوهشی  
پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران  
گروه باستان‌شناسی دانشکده هنر و معماری بوعلی سینا  
شماره ۵، دوره سوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۲

صاحب امتیاز (ناشر): دانشگاه بوعلی سینا  
مدیر مسئول و سردبیر: دکتر محمدابراهیم زارعی

هیأت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا):  
دکتر جلال‌الدین رفیع‌فر  
استاد گروه انسان‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران  
دکتر بهمن فیروزمندی شیره‌جینی  
دانشیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه تهران  
دکتر یعقوب محمدی‌فر  
دانشیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه بوعلی سینا  
دکتر عباس مترجم  
استادیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه بوعلی سینا  
دکتر مهدی مرتضوی  
دانشیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه سیستان و بلوچستان  
دکتر کاظم ملازاده  
دانشیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه بوعلی سینا  
دکتر حکمت‌الله ملاصالحی  
دانشیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه تهران  
دکتر سید رسول موسوی حاجی  
دانشیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه مازندران  
دکتر رضا مهرآفرین  
دانشیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه مازندران  
دکتر کمال‌الدین نیکنامی  
استاد گروه باستان‌شناسی دانشگاه تهران  
دکتر علیرضا هژبری نویری  
استاد گروه باستان‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس

ویراستار انگلیسی: اردشیر جوانمردزاده  
مدیر داخلی: صفانه صادقیان  
طراحی لوگو: استاد احمد تیموری  
طرح روی جلد: غلامرضا شاملو  
صفحه‌آرا: خلیل‌الله بیک‌محمدی  
چاپ: گیتی

نشانی: همدان، فلکه فلسطین، بلوار غبار همدانی، دانشکده هنر و معماری، گروه باستان‌شناسی

پست الکترونیکی:

NBJ@basu.ac.ir / Journal.nbsh@yahoo.com

تلفن: ۸۲۹۱۱۲۹ - ۰۸۱۱، فاکس: ۸۲۹۰۹۴۱ - ۰۸۱۱

قیمت: ۹۰۰۰ تومان

حقوق کلیه مقالات برای دانشگاه بوعلی سینا محفوظ می‌باشد.

صنایع سنگی محوطه چیا سبز شرقی، سد سیمره: تغییرات تکنولوژیکی از دوره انتقالی  
نوسنگی به نوسنگی بی‌سفال در غرب ایران

حجت دارابی  
۲۴-۷

حوزه آب‌گیر رودخانه قزل‌اوزن در دوره مس‌وسنگ: براساس بررسی‌های باستان‌شناختی  
شهرستان بیجار

امیر ساعدموچشی  
۵۰-۲۵

بررسی تغییرات فرهنگی دشت کنگاور از دوره مس‌سنگ تا پایان عصر مفرغ  
بر اساس مدل‌های استقرار

عباس مترجم و طیبه الماسی  
۶۲-۵۱

مطالعه پتروگرافی سفال عصر آهن غار هوتو

امیرصادق نقشینه، الناز حاتمی و هومن نیکروان‌متین  
۷۸-۶۳

محوطه‌ها و استقرارهای اشکانی جزیره‌ی قشم

علیرضا خسروزاده  
۱۰۰-۷۹

بررسی باستان‌شناختی پهنه فرهنگی نیشابور از منظر معدن‌کاوی و فلزکاری کهن در  
دوران اسلامی

سولماز حاجی‌علیلو و هایده لاله  
۱۲۰-۱۰۱

گونه‌شناختی و معرفی سفالینه‌های دوران اسلامی بلوچستان (مکران جنوبی)

سید رسول موسوی‌حاجی، محمدمهدی توسلی، روح‌الله شیرازی و مریم زور  
۱۴۰-۱۲۱

مطالعه ساختار، ویژگی‌های تکنیکی و زمینه‌های تاریخی ساخت بنای گنبدقابوس

مریم محمدی، کاظم ملازاده و سینا فرامرزی  
۱۵۴-۱۴۱

پژوهشی تحلیلی بر جلوه‌های آیات قرآنی بر آثار فلزکاری ایران در دوران صفوی و قاجار  
«با استناد به آثار فلزی موزه ملی ایران»

مجید ساریخانی  
۱۶۸-۱۵۵

بررسی جایگاه مهندسی ژئوماتیک در کاربردهای میراث‌فرهنگی - باستان‌شناسی و معماری

سعید علی‌تاجر و سمیه افشاری‌آزاد  
۱۹۵-۱۶۹

## حوزه آب‌گیر رودخانه قزل‌اوزن در دوره مس و سنگ: براساس بررسی‌های باستان‌شناختی شهرستان بیجار

امیر ساعد موچشی

استادیار دانشگاه پیام نور همدان

amir80sm@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۹۲/۰۷/۲۱، تاریخ پذیرش: ۹۲/۱۱/۲۳

(از ص ۲۵ تا ۵۰)

### چکیده

در این مقاله به معرفی محوطه‌ها، سنت‌های سفالی و بررسی الگوهای استقرار محوطه‌های شناسایی شده دوره مس و سنگ حوزه رودخانه قزل‌اوزن در شهرستان بیجار پرداخته شده است. نتایج ارائه شده در این مقاله براساس ۶ فصل بررسی این شهرستان است. براساس این بررسی‌ها ۷۶ محوطه دارای آثار دوران مس و سنگ هستند. شروع استقرار در شهرستان بیجار که بخشی از حوزه رودخانه قزل‌اوزن به‌شمار می‌رود از دوره مس و سنگ میانه بوده است. عدم وجود دوره‌های قدیمی‌تر را علاوه بر نقصان احتمالی شیوه بررسی، می‌توان در ارتفاع زیاد منطقه و شرایط سخت و اقلیم خشک منطقه دانست. تعداد استقرارهای مس و سنگ میانه متعدد و سراسر نواحی مختلف شهرستان را در بر می‌گیرد. پس از این دوره و در دوره مس و سنگ جدید تعداد استقرارها تا حدودی کاهش یافته و بسیاری از محوطه‌های دوره‌ی قبل متروک می‌شوند. در دوره مس و سنگ جدید گرایش محوطه‌ها به ابتدای حوزه‌های آب‌گیر قابل مشاهده و از تعداد محوطه‌های بزرگ کاسته می‌شود و در عوض محوطه‌های متوسط رشد می‌کنند. الگوهای استقرار شناسایی شده در دوره مس و سنگ به وجود چندین خوشه در محوطه‌ها اشاره دارد که شاید بتوان چندین کاربرد مختلف را برای آن‌ها پیشنهاد کرد. در نحوه پراکنش محوطه‌ها و نیز اندازه آن‌ها عوامل زیست‌محیطی چون دسترسی به منابع زمین، آب، مراتع و تا حدودی مسیرهای طبیعی نقش اصلی را داشته است. در هر دو مرحله مس و سنگ میانه و جدید، محوطه‌ها به سه خوشه قابل تقسیم‌بندی هستند و کاربردهای چون روستاهای مرکزی، روستاهای یک‌جانشین و محوطه‌های کوچک فصلی پیشنهاد شده است. در این پژوهش از داده‌های قوم‌باستان‌شناختی نیز استفاده شده است. سنت‌های سفالی به‌دست آمده از مطالعات میدانی گستره زیادی از سفال‌های شناخته شده غرب ایران شامل سنت دالمایی، سه‌گابی، گودین VII و گودین VI و نیز فرهنگ پیزدلی را در بر می‌گیرد. این منطقه نقطه تلاقی سنت‌های سفالی شمال غربی ایران با زاگرس مرکزی است.

**کلیدواژگان:** بیجار، دوره مس و سنگ، حوزه آب‌خیز رودخانه قزل‌اوزن، الگوهای استقرار، پیشینه استقرار.

## مقدمه

طی چند سال گذشته بررسی‌های متعددی در شهرستان بیجار به منظور شناسایی آثار آن انجام شده اما با این حال تاکنون نتایج آن به چاپ نرسیده است. پژوهش حاضر به معرفی محوطه‌های دوره‌ی مس‌وسنگ، تغییرات حادث شده در طول مراحل مختلف آن، عوامل تأثیرگذار بر پراکنش محوطه‌ها، سنت‌های سفالی رایج منطقه و الگوهای استقرار دوره مس‌وسنگ می‌پردازد. شهرستان بیجار در منطقه‌ای قرار گرفته که در بخش‌های شمالی آن با آذربایجان و جنوب آن با شهرستان‌های قروه و دهگلان که هم مرز با استان کرمانشاه در قلب زاگرس مرکزی هستند، واقع شده است. این شهرستان در شرق به استان‌های زنجان و همدان که با فلات مرکزی دارای برهم‌کنش‌های فرهنگی هستند، قرار گرفته است. این مهم و نیز انتشار گزارش و نتایج پژوهش‌های میدانی و وجود آثار متعدد دوران مس‌وسنگ از جمله انگیزه‌هایی بود که موجبات نگارش این مقاله را فراهم آورد.

**حوزه آب‌گیر رودخانه قزل‌اوزن:** تمامی منطقه مورد مطالعه یعنی شهرستان بیجار در حوزه آب‌گیر رودخانه قزل‌اوزن قرار دارد (تصویر شماره ۱ و ۲). این رودخانه بزرگ از شاخه‌ها و رودخانه‌های متعددی در شرق استان کردستان تغذیه می‌گردد. رود قزل‌اوزن در منطقه مورد تحقیق از مغرب به مشرق جریان داشته و با جهت جنوب‌شرقی-شمال غربی و دریافت شعبات دیگر از حاشیه شمال شرقی شهرستان بیجار می‌گذرد. شاخه‌های فرعی کنونی که از دو ساحل به آن می‌رسند، جوان‌تر از رودخانه اصلی است و پس از خشک شدن حوضه رسوبی به‌وجود آمده و با توجه به شیب ظاهری و ساختمان زمین به شکل فعلی گسترش یافته‌اند (محمودی، ۱۳۵۲: ۱۷). آب‌های روان این‌رود حدود ۱۲۰۰۰ کیلومتر مربع از مساحت این استان (۴۴/۵ کل استان کردستان) را شامل می‌شود (افشین، ۱۳۷۳: ۲۲). براساس برآورد میزان آب این رودخانه در شش ماهه مهر لغایت اسفند سال ۱۳۶۸ از ایستگاه گیلوان ۵۱۴۵۴ کیلومتر مکعب را نشان می‌دهد (موحدان‌نیش، ۱۳۷۳: ۲۴۳)، از این‌رو رودخانه قزل‌اوزن اصلی‌ترین شاخه سفیدرود است (احمدی و دیگران، ۱۳۸۶: ۷).



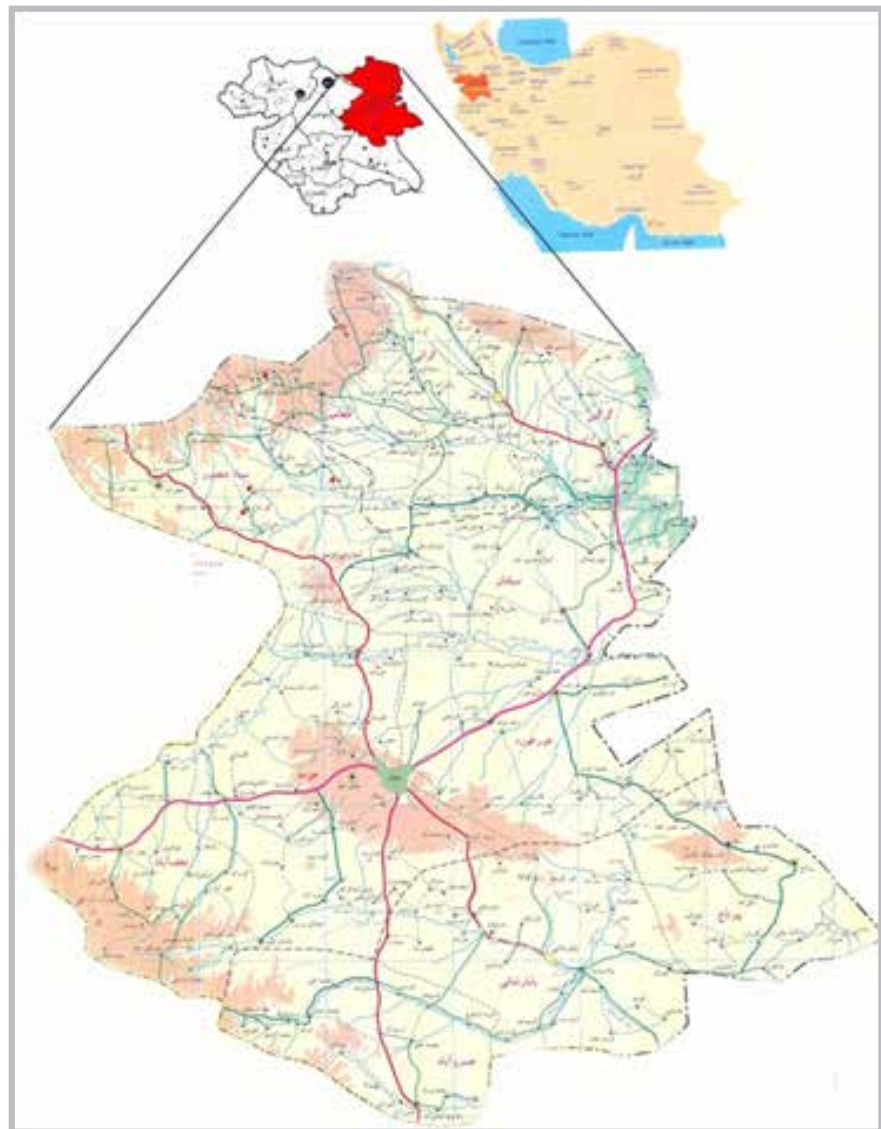
**تصویر ۱:** نقشه حوزه آب‌خیز قزل‌اوزن و دیگر حوزه‌های آب‌خیز استان کردستان (احمدی و دیگران، ۱۳۸۸: شکل ۱).

۱. بنا به نوشته: حمدالله مستوفی در نزهةالقلوب که به سال ۷۴۰ هـ ق به رشته تحریر آورده شده، قزل‌اوزن در زمان مغولان، «هوان‌موران» نام داشته است. نام این‌رود تا دوره صفویه: سفیدرود و یا سفیدجوی ذکر شده است (نجفی، ۱۳۶۹: ۵۲۱). علاوه‌بر نام‌های فوق رودخانه قزل‌اوزن را به‌نام: «مردوس» نیز می‌خوانده‌اند (فخرالکتاب، ۱۳۶۶: ۶۱).

### شهرستان بیجار، جغرافیا و شرایط طبیعی

شهرستان بیجار با مساحتی در حدود ۵۸۰۶ کیلومتر مربع وسعت در شرق و شمال شرق استان کردستان واقع شده و اکنون با بخش‌های قیدار و ماه‌نشان از توابع استان زنجان در شرق و شمال شرق، با شهرستان تکاب در شمال غربی و با کبودرآهنگ هم‌دان در سمت جنوب شرقی همسایه است. در داخل استان کردستان با شهرستان‌های قره و دهگلان در جنوب و شهرستان دیواندره در غرب هم‌مرز است و دارای ۱۱ دهستان می‌باشد (مریوانی، ۱۳۸۲: ۱۳).

منطقه بیجار که در بیشتر نقشه‌های موجود جزئی از ارتفاعات زاگرس قلمداد شده در حقیقت نه تنها هیچ ارتباطی به زاگرس ندارد، بلکه حد فاصل رشته کوه‌های غربی و سرآغاز قسمتی از کوه‌های مرکزی ایران است. بنابراین اطلاق نام زاگرس به منطقه مورد تحقیق، صحیح نیست به طوری که حتی در برخی موارد اصطلاح فلات گروس در برای حوزه رودخانه قزل‌اوزن نیز به کار می‌برند. این



تصویر ۲: موقعیت شهرستان بیجار.



شهرستان از هر لحاظ به‌ویژه شکل عوارض ناهمواری واحد مستقلی است که از بسیاری جهات با مناطق مجاور متفاوت بوده و کوه‌های نسبتاً مرتفعی قسمت‌های شمالی آن را احاطه کرده است (محمودی، ۱۳۵۲: ۱). در سراسر منطقه بیجار حدود خارجی تقسیمات اداری به استثنای چند مورد بر عوارض طبیعی ناحیه (خط تقسیم آب) منطبق است (همان: ۲). در تقسیم‌بندی ژئومورفولوژی ایران، قسمت شرق استان کردستان جزو واحد شمال غربی ایران تقسیم‌بندی شده است. از ویژگی‌های پیکرشناسی این منطقه مخروطه‌های آتشفشانی است. این عوارض را بیشتر در اطراف بیجار می‌توان مشاهده کرد (علایی‌طالقانی، ۱۳۸۶: ۹۲).

### پیشینه پژوهشی

استوارت سوینی بخش‌هایی از بیجار را بیشتر به‌منظور شناخت آثار مانایی بررسی کرد. تحلیل وی از دوره‌های پیش از تاریخ و به‌ویژه مس‌وسنگ با تاریخ‌نگاری‌های بعدی که در مناطق شمال غربی و زاگرس مرکزی صورت گرفت، تا حدودی تغییر یافت. وی سنت موسوم به دالما را که هم‌اینک به‌عنوان دوره مس‌وسنگ قدیم (در آذربایجان) در نظر می‌گیرند، مربوط به دوره نوسنگی می‌داند (Swiney 1975). از دیگر بررسی‌های انجام شده، می‌توان بررسی نیمه شمالی شهرستان بیجار توسط محمدابراهیم الیاسوند (۱۳۸۵، ۱۳۸۶ و ۱۳۸۷) و هوشنگ ثبوتی (۱۳۷۱) را ذکر کرد. از سایر افرادی که در این شهرستان به بررسی باستان‌شناختی پرداخته‌اند، می‌توان به بررسی اقبال عزیز (۱۳۸۲) در دهستان‌های نجف‌آباد و حومه، بررسی علی آذرشب و مهدی بیگ‌محمدپور در محدوده سدهای منطقه (۱۳۸۵) و بررسی حامد وحدتی‌نسب در محدوده حوزه آب‌گیر سد تالوار (وحدتی‌نسب و حیدریان ۱۳۸۸) اشاره کرد. مقاله حاضر براساس پژوهش‌های باستان‌شناختی صورت گرفته توسط میراث‌فرهنگی استان کردستان است. در این شهرستان محوطه‌های کلنان و چهل‌امیران به ترتیب توسط ساعدموچشی (ساعدموچشی و دیگران ۱۳۹۰ ب) و مترجم (۱۳۸۹) - هر دو متعلق به دوره مس‌وسنگ- و نیز محوطه امامزاده عقیل یاسوکنند متعلق به دوره میانی اسلام توسط بیگ‌محمدپور (۱۳۸۴) کاوش شدند.

محوطه‌های شناسایی شده مس‌وسنگ شهرستان بیجار: طی بررسی‌های متعدد باستان‌شناختی تعداد ۷۶ محوطه متعلق به دوران مس‌وسنگ در شهرستان بیجار شناسایی شده است که در تصویر ۳ زیر محل قرارگیری آن‌ها دیده می‌شود. در جدول ۱ سایر مشخصات محوطه‌ها مانند نام محوطه، نام روستا یا شهر، دهستان، فاصله تا منابع آب، طول و عرض براساس متر، ارتفاع از سطح دریا، مختصات جغرافیایی و دوره‌های پیشنهادی ذکر شده است.

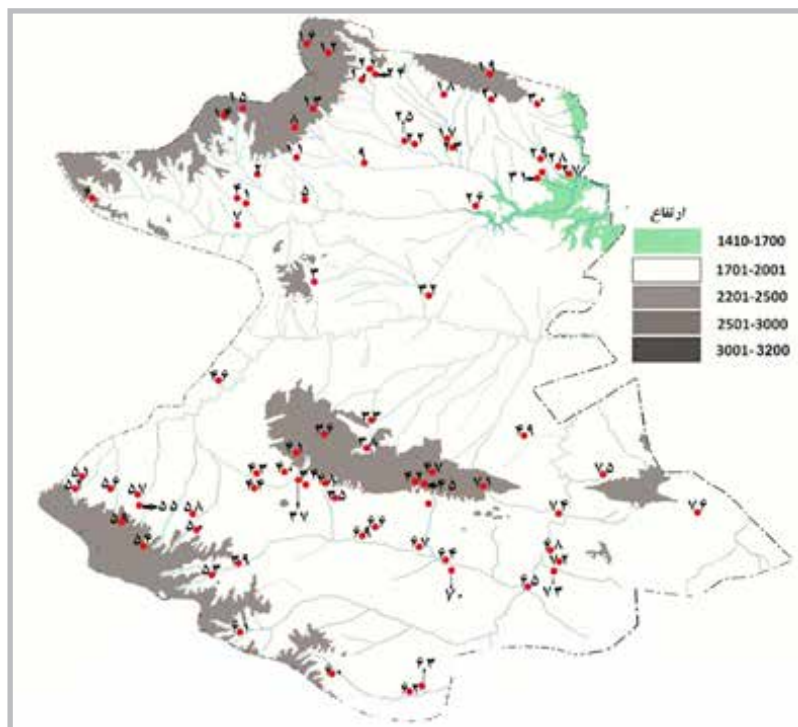
### محوطه‌های مرحله مس‌وسنگ میانه

همان‌طور که در نقشه‌ها و جدول دیده می‌شود، تعداد ۷۶ محوطه دارای آثار دوره‌ی مس‌وسنگ بررسی و شناسایی شده است که قدمت آن‌ها به فاز میانی مس‌وسنگ میانه (دوره دالما) تا دوره مس‌وسنگ جدید برمی‌گردد. تعداد محوطه‌های مس‌وسنگ میانی شهرستان بیجار به ۵۶ مورد می‌رسد. این تعداد در دوره مس‌وسنگ جدید با کاهش ۳۶ درصدی به ۳۶ عدد می‌رسد. در میان محوطه‌های دوره‌ی مس‌وسنگ

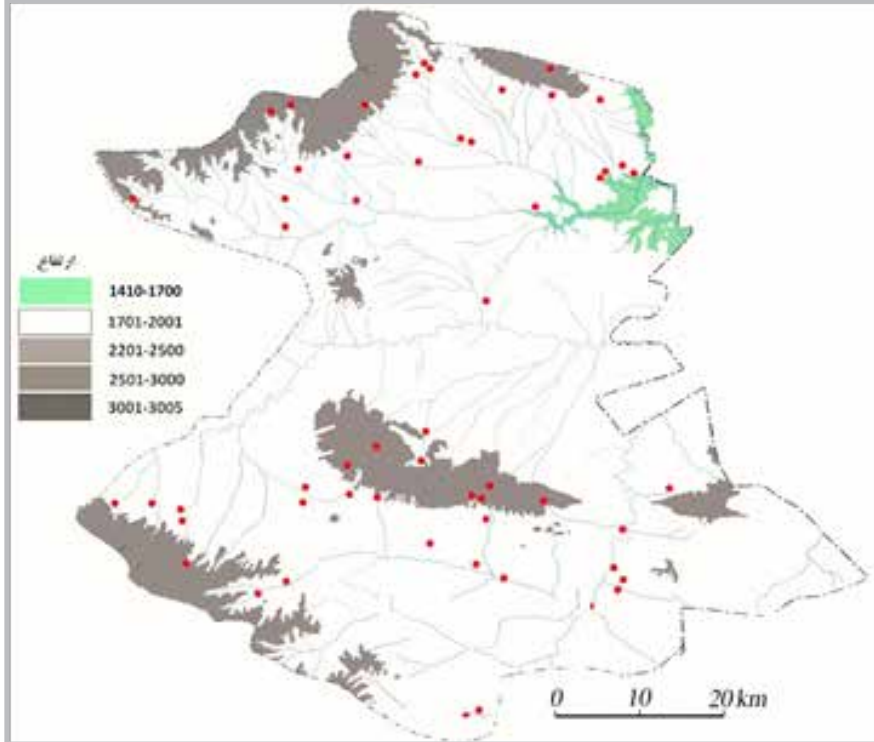
میان‌ه فقط ۱۶ مکان (۲۶ درصد) به دوره بعد (مس‌وسنگ جدید) تداوم استقرار داشته است. با نگاه به این ۱۶ محوطه می‌توان پی برد که ویژگی مهم آن‌ها در وسعت بزرگ‌تر آن‌هاست. بیشتر این محوطه‌ها بیش از یک هکتار یا تقریباً یک هکتار وسعت دارند. سه محوطه شماره ۳۱، ۳۸ و ۶۷ کم‌تر از یک هکتار وسعت دارند. محوطه شماره ۳۸ محوطه بزرگی بوده که بر اثر فعالیت‌های انسانی تخریب شده و بخش‌هایی از آن از بین رفته است. محوطه ۶۷ نیز بیشتر از نیم هکتار وسعت دارد و محوطه ۳۱ نیز نشانه تداوم احتمالی شیوه کوچ‌نشینی در دو مرحله مس‌وسنگ میان‌ه و جدید است. اما در کل محوطه‌هایی که هر دو دوره دارای آثار بوده‌اند، بر اهمیت تداوم زندگی در محوطه‌های با قابلیت کشاورزی اشاره دارد. آمار محوطه‌ها نشان‌دهنده گسترش استقرار در دوره مس‌وسنگ میان‌ه و تغییر آن در دوره مس‌وسنگ جدید است.

### الگوهای استقرار محوطه‌ها

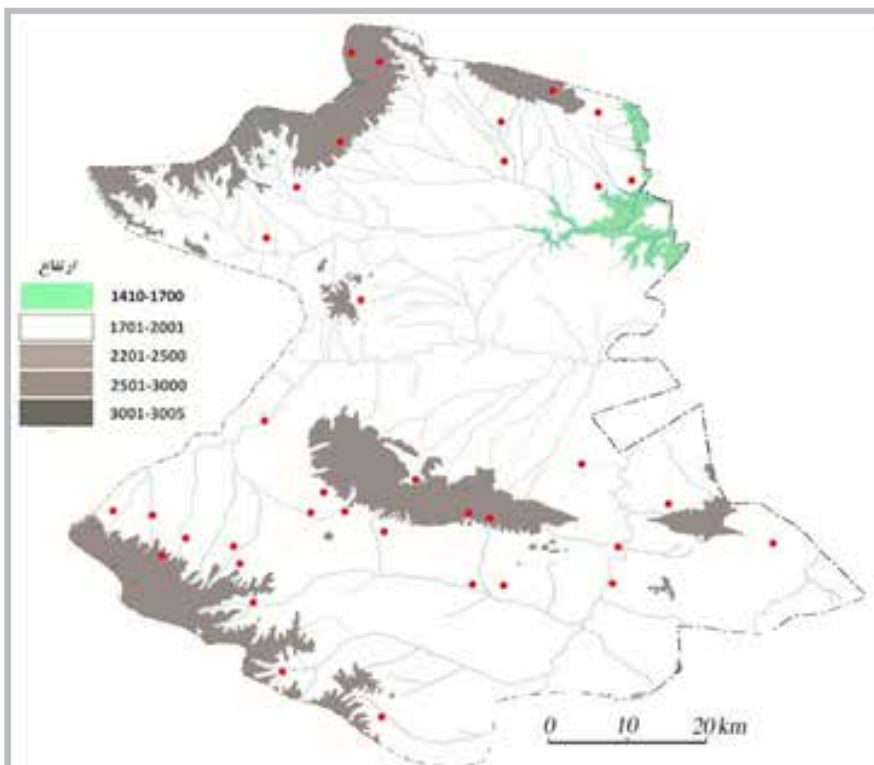
الگوهای استقرار محوطه‌های مس‌وسنگ میان‌ه: میانگین مساحت استقرارهای دوره مس‌وسنگ میان‌ه (با ۵۶ عدد) به ۱۱۲۶۲ متر مربع و میانگین ارتفاع آن‌ها به ۱۸۴۹ متر از سطح دریاهای آزاد می‌رسد. در دوره مس‌وسنگ میان‌ه ۵۶ محوطه شناسایی شد که به لحاظ مساحت تفاوت‌های چشم‌گیری را نشان می‌دهد و به سه خوشه‌ی زیر نیم هکتار، بین نیم تا سه هکتار و بیش از سه هکتار تقسیم شدند. ۱۹ محوطه در خوشه محوطه‌های زیر نیم هکتار، ۳۲ محوطه در خوشه بین نیم تا سه هکتار و ۵ محوطه در خوشه بیش از سه هکتار جای دارند. تفاوت این خوشه‌ها به وسعت، ارتفاع و حجم نهشته‌های آن‌ها منحصر نمی‌گردد، به طوری که نحوه پراکنش این محوطه‌ها در منطقه نیز از الگوی خاصی پیروی می‌کند.



تصویر ۳: محوطه‌های مس‌وسنگ شناسایی شده شهرستان بیجار.



تصویر ۴: پراکنش محوطه‌های دوره مس‌وسنگ میانه.



تصویر ۵: پراکنش محوطه‌های دوره مس‌وسنگ جدید.

محوطه‌های زیر نیم هکتار: از ۱۹ محوطه‌ی (۳۴ درصد کل محوطه‌های مس‌وسنگ میانه) این خوشه، ۵ محوطه در کنار چشمه (منظور نزدیک‌ترین منبع آب به محوطه است) قرار داشتند و ۱۴ محوطه بعدی در کنار رودخانه‌ها واقع شده‌اند که از مورد اخیر ۵ نمونه آن فصلی است که خود نشان‌گر موقتی بودن استقرار در آن است. میانگین ارتفاع محوطه‌های خوشه نخست از سطح دریا ۱۸۱۴ متر است. ۴ محوطه دارای فاصله بیش از ۲۰۰ متر نسبت با منابع آبی است. این مسافت در سایر محوطه‌ها زیر ۲۰۰ متر است و غالباً در کنار منابع آب واقع شده‌اند. جایابی محوطه‌های زیر نیم هکتار از دو الگوی خاص در منطقه پیروی می‌کند. در الگوی نخست این محوطه‌ها در مناطق مرتفع شهرستان بیجار قرار گرفته‌اند. این مناطق به لحاظ منابع کشاورزی ضعیف هستند و غالباً مراتع آن‌ها مورد توجه بوده است. محوطه‌های این الگو غالباً در کنار چشمه‌ها و رودهای فصلی و به دور از رودخانه‌های دائمی و پرآب قرار گرفته‌اند. در الگوی دوم محوطه‌های زیر نیم هکتار در پست‌ترین مناطق شهرستان بیجار و در کنار رودخانه‌های پرآب واقع شده‌اند. نکته جالب این‌جاست که این دو الگو به لحاظ ارتفاع کاملاً با الگوی نخست از هم متمایز است. همان‌طور که در جدول محوطه‌ها نیز دیده می‌شود محوطه‌های خوشه اول در مناطق متوسط قرار نگرفته‌اند. در مورد محوطه‌های واقع در ارتفاعات اظهار نظر راحت‌تر است، چرا که خاصیت چنین مناطقی شکل‌گیری محوطه‌های کوچک با کاربری روستاهای کوچک یا پایگاه‌های غیر دائمی است اما پیشنهاد کاربری محوطه‌های زیر نیم هکتار در دشت‌های با ارتفاع کم دشوار است، زیرا این محوطه‌ها در مناطق پست و در کنار شاخه‌های اصلی رودخانه‌ها واقع شده‌اند. شاید بتوان گفت که این محوطه‌ها نیز پایگاه گله‌داران بوده است. در طی بررسی میدانی نگارنده از منطقه متوجه شدیم که روستاییانی که روستای آن‌ها در کنار رودخانه‌های پرآبی چون تلوار یا قزل‌اوزن قرار گرفته بود، در مهار رودخانه به‌ویژه زمانی که بستر رودخانه در پایین قرار داشت دچار مشکل بودند. البته ارتفاع پایین این محوطه‌ها می‌تواند محل چرای مناسبی در ایامی باشد که بخش‌های مرتفع شهرستان هنوز رویش گیاهان را آغاز نکرده و یا برای ایامی مناسب باشد که سایر شهرستان با بارش برف سفیدپوش شده‌اند. مساحت بعضی از محوطه‌های این خوشه مانند محوطه شماره ۱۴ با مساحت ۱۵۰ متر مربعی فقط برای یک پایگاه موقتی مناسب خواهد بود. یکی از ویژگی‌های کلی این خوشه حجم ضعیف نهشته‌های فرهنگی است.

محوطه‌های بین نیم تا ۳ هکتار: ۳۲ محوطه (۵۶ درصد کل محوطه‌های مس‌وسنگ میانه) در این خوشه جای می‌گیرند که فاصله همه آن‌ها با منابع آبی زیر ۲۰۰ متر است. نزدیک‌ترین منبع آب به ۱۶ محوطه چشمه و ۱۶ محوطه دیگر در کنار رودخانه قرار گرفته‌اند. میانگین ارتفاع این خوشه ۱۸۸۴ متر از سطح دریاهای آزاد است. پراکنش این خوشه در تمام منطقه شامل مناطق مرتفع و پست از کنار کوه‌پایه‌ها گرفته تا مناطق جانبی رودخانه‌هاست و خود این امر نشان‌بر بهره‌گیری این خوشه از تمام ظرفیت‌های کشاورزی و دامداری منطقه است. محوطه‌های بیش از ۳ هکتار: در این خوشه ۵ محوطه (با ۹ درصد کل محوطه‌های دوره‌ی مس‌وسنگ میانه) قرار گرفته است. محوطه‌های این خوشه

در کنار منابع آبی واقع شده‌اند و به جز یک نمونه (محوطه شماره ۳۶)، همگی در کنار رودخانه‌های اصلی قرار گرفته‌اند. این محوطه به لحاظ ارتفاع از دیگر محوطه‌های این خوشه بلندتر است. میانگین ارتفاعی خوشه سوم با ۱۷۵۵ متر از سطح دریا‌های آزاد از دو خوشه قبلی پایین‌تر است. قرار گرفتن در گذرگاه‌های طبیعی (کنار رودخانه و مراکز دشت) و نیز برخورداری از زمین‌ها و آب مناسب از دیگر ویژگی‌های این محوطه‌هاست. می‌توان کارکرد مرکزیت و نیز بهره‌برداری از زمین‌های کشاورزی و منابع آب بهتر را برای این خوشه پیشنهاد کرد.

دوره مس‌وسنگ جدید: تعداد محوطه‌های دوره مس‌وسنگ جدید با ۳۶ عدد نسبت به دوره قبل ۳۶ درصد کاهش می‌یابد اما در عوض میانگین وسعت آن‌ها نسبت به دوره‌ی مس‌وسنگ میانی افزایش و به ۱۲۰۳۱ متر مربع ارتقاء می‌یابد، اما میانگین ارتفاع از سطح دریا تقریباً ثابت و به ۱۸۵۴ متر می‌رسد. محوطه‌های این دوره نسبت به دوره قبل گرایش به کوه‌پایه‌ها و ابتدای حوزه‌های آب‌گیر و نیز قرار گرفتن در کنار چشمه‌ها را نشان می‌دهد. از تعداد محوطه‌های بیش از سه هکتار به شدت کاسته شده و محوطه‌های خوشه دوم با افزایش چشم‌گیری روبروست. در این دوره نیز مانند دوره‌ی قبل و براساس ویژگی‌هایی چون مساحت، ارتفاع و غیره سه خوشه‌ی زیر نیم هکتار، بین نیم تا سه هکتار و بیش از سه هکتار پیشنهاد می‌گردد.

**خوشه اول:** محوطه‌های زیر نیم هکتار: ۱۲ محوطه در دوره‌ی مس‌وسنگ جدید زیر نیم هکتار وسعت دارند که ۳۳ درصد کل محوطه‌های این دوره را شامل می‌شود. فاصله ۳ محوطه (۲۵ درصد) با منابع آب بیش از ۲۰۰ متر است و سایر محوطه‌ها کم‌تر از ۲۰۰ متر و غالباً در کنار منابع آب واقع شده‌اند. میانگین ارتفاعی آن‌ها ۱۸۰۱ متر از سطح دریا‌های آزاد است و به‌نظر می‌رسد که همان دو الگوی که برای محوطه‌های زیر نیم هکتار در دوره مس‌وسنگ میانه پیشنهاد شد را در این‌جا نیز می‌توان ارایه کرد. در این خوشه، محوطه‌ها یا در پست‌ترین نقاط و یا در ارتفاعات قرار گرفته‌اند. ۱۲ محوطه (۶۶ درصد) از محوطه‌های این خوشه در کنار چشمه‌ها و ۴ محوطه باقی‌مانده (۳۴ درصد) در کنار رودخانه‌ها جای گرفته‌اند که از نمونه اخیر دو محوطه در کنار رودخانه‌های فصلی‌اند. همین آمار نشان‌دهنده تکیه آن‌ها بر منابعی است که در کشاورزی اهمیت رودخانه‌ها را ندارد. قرارگیری بخشی از آن‌ها در ارتفاعات و دوری از زمین‌های مساعد کشاورزی، وسعت کم، دوری از رودخانه‌های دائمی و نیز تا حدودی دور بودن فاصله آن‌ها از چشمه‌ها یا رودخانه‌ها همگی دال بر عدم استفاده دائم از آن‌هاست. محوطه‌هایی چون محوطه شماره ۱۷ با ۳۳۰ متر مربع مساحت، و محوطه شماره ۶۹ با ۲۴۰ متر مربع مساحت از جمله محوطه‌های بسیار کوچکی هستند که دائمی بودن استفاده از آن‌ها بسیار بعید است.

**خوشه دوم:** محوطه‌های بین نیم تا سه هکتار: بیشترین تعداد محوطه‌های دوره مس‌وسنگ جدید با ۲۳ عدد (۶۴ درصد) در این خوشه قرار می‌گیرند. گرایش به قرارگیری این خوشه در کنار چشمه‌ها از ویژگی‌های این گروه است، به‌طوری که ۶۰ درصد محوطه‌ها (۱۴ محوطه) در کنار چشمه‌ها واقع شده‌اند. از ۹ محوطه باقی‌مانده که در کنار رودخانه‌ها قرار گرفته‌اند، ۲ نمونه آن فصلی است. به جز ۴

محوطه همه نمونه‌های این خوشه در کنار منابع آب هستند و فاصله این ۴ نمونه نیز کم‌تر از ۲۰۰ متر است. با نگاه به محوطه‌های این خوشه متوجه می‌شویم که اکثر آن‌ها در ابتدای حوزه‌های آب‌گیر و در منطقه‌ی بین ابتدای دشت و کوه‌ها واقع شده‌اند و به رژیم معیشتی محتاطانه کشاورزی به همراه دام‌داری اشاره دارد. از این محوطه‌ها ۷ محوطه شماره: ۷، ۲۷، ۴۹، ۶۷، ۶۸، ۷۴ و ۷۵ در مرکز دشت‌ها قرار گرفته‌اند که همگی جزو محوطه‌های وسیع هستند، به طوری که به جز محوطه شماره ۶۷ با ۷۰۰۰ متر مربع، همگی آن‌ها بیش از یک هکتار وسعت دارند. اما سایر محوطه‌ها تمایل چندانی به مراکز دشت ندارند.

**خوشه سوم:** محوطه‌های بیش از سه هکتار: در دوره مس و سنگ جدید فقط محوطه شماره ۵۸ بیش از ۳ هکتار وسعت دارد. ارتفاع آن ۱۸۱۶ متر از سطح دریا‌های آزاد است و در کنار رودخانه و در نزدیکی کریدور و جاده امروزی بیجار به سنج قرار گرفته است و نسبت به محوطه‌های هم‌تراز خود در دوره‌ی مس و سنگ میانه خیلی به رودخانه‌های پر آب مرکز دشت متکی نیست.

### سنت‌های سفالی رایج منطقه در دوره مس و سنگ میانه و جدید

با نگاه به سفال‌های حاصل از بررسی‌های باستان‌شناختی صورت گرفته در منطقه، سنت‌های سفالی مختلفی دیده می‌شود. در این منطقه مانند منطقه شمال غربی ایران، زاگرس مرکزی و نیز بخشی از منطقه فلات مرکزی ایران، سفال دالما سنت فراگیری است (Hamlin 1975; Henrickson 1985; Levin and Young 1988 Ma-). jidzadeh 1981 و خسروی و دیگران (۱۳۸۸). سنت سفال دالما در تپه کلنان بیجار با تاریخ‌گذاری مشابه سایر نقاط ایران (۴۲۰۰ تا ۳۷۰۰ ق.م) رایج بوده است (ساعت موچشی و دیگران ۱۳۹۰ ب). در تمامی محوطه‌های این دوره در منطقه می‌توان سفال و سنت دالمایی را مشاهده کرد. علاوه بر منطقه بیجار، در سایر مناطق اطراف نیز سنت دالمایی دیده می‌شود. به طور مثال در جنوب منطقه مورد پژوهش یعنی در شهرستان‌های قروه و دهگلان (ساعدموچشی و دیگران ۱۳۹۰ الف)، در لایه X گودین کنگاور، سنت ترکیبی دالما-عبید در ماهیدشت، سنت دالمایی تپه دالما (Hamlin 1975) و سیوان در آذربایجان (Solecki 1999; Solecki & Solecki 1973)، در محوطه‌هایی چون سه‌چای تپه (رحیمی ۱۳۸۷) و محوطه‌های منطقه ابهر رود (خسروی و دیگران ۱۳۸۸ و Alibaigi et al. 2012) در استان زنجان و سفال آلویی در غرب فلات مرکزی را می‌توان مشاهده کرد (Majidzadeh 2008). هنریکسون و ویتالی در حمیرین نیز محوطه‌های مشابهی را ذکر کرده‌اند (1987: 154). علاوه بر این در بررسی‌های کامیاران (نوری ۱۳۸۹)، موچش (بختیاری ۱۳۸۷)، مریوان و در غار مرتفعی چون کنه شمش مریوان و در بازدیدهای نگارنده در منطقه سقز، سنج در استان کردستان نیز سنت سفال دالمایی دیده می‌شود. بنابراین در چنین شرایطی نمی‌توان وجود سنت (های) سفالی دیگری مانند سنت عبیدی یا غیره را انتظار داشت. اما ذکر این نکته نیز ضروری است که در هیچ کدام از محوطه‌های این منطقه و در خلال در بررسی‌های انجام شده، سفال دورنگ دالمایی به دست نیامد. این گونه‌ی سفالی از منطقه آذربایجان و گودین گزارش شده است (Henrickson, 1985: 69). در لایه‌نگاری تپه کلنان نیز سفال دو رنگ به دست نیامد که البته شاید

دلیل این امر تعلق تپه کلنان به فاز جدیدتر دالمایی را نشان دهد. اما سنت رایج دیگر، سنت سفال سه‌گابی است. سنت سفال سه‌گابی بعد از دوره دالما رایج شد و دارای سفال‌های نخودی با نقوش سیاه رنگ است. این سفال بیشتر در شرق زاگرس مرکزی دیده می‌شود و در دوره گودین IX رایج بوده است (Young 1969). سفال‌های مشابه دوره پیزدلی در آذربایجان و به‌صورت محدود در شمال شهرستان بیجار شناسایی شد و به هیچ وجه به گستردگی سفال‌های گودین VII و VI نیست. بیشترین شباهت با سفال پیزدلی در بیرون از ایران را در مناطق پست غربی هم به لحاظ شکل و هم به لحاظ تزیین می‌توان در لایه‌های گاورای XIII تا XII دید (Voghit, 1989: 286). در بررسی‌های منطقه مجموعه‌های سفالی مشابه با گودین دوره مس‌وسنگ جدید (گودین VI و VII) شناسایی شد (Levine & Young, 1988: 33). گستردگی این سنت به منطقه بیجار محدود نبوده و در این دوره سفال‌های با پوشش نخودی ظریف و منقوش در بسیاری از مناطق ایران گسترش می‌یابد (Voghit, 1989: 287; Majidzadeh 1981; Ghirshman 1939).

اواخر دوره مس‌وسنگ جدید در منطقه زاگرس مرکزی و مناطق دیگری چون فلات مرکزی و نیز جنوب غرب ایران با رواج سفال‌های فرهنگ اوروک شناخته شده است. این نوع سفال از هیچ کدام از محوطه‌ها بررسی شده، به‌دست نیامد. شاید علت این امر دارا نبودن شاخصه‌هایی است که بین‌النهرینی‌ها به‌دلیل آن به خاور نزدیک نفوذ کردند و می‌تواند عواملی چون کمبود یا نبود منابع معدنی و شرایط سخت جغرافیایی شهرستان بیجار باشد. از استان کردستان به‌سمت بین‌النهرین گذرگاه طبیعی مناسبی که بتواند زمینه مبادله را فراهم کند بسیار کم است. در حال حاضر فقط در تپه سرقلعه در شهرستان سروآباد در غرب استان کردستان قطعات معدودی سفال اوروکی شناسایی شده است (ساعدموچشی و دیگران ۱۳۹۱) شهرستان بیجار به‌دلیل ارتفاع زیاد و نیز واقع نشدن در مسیر ارتباطی ایران و بین‌النهرین ظاهراً چندان مورد توجه اوروکی‌ها نبوده است.

## دلایل احتمالی عدم وجود محوطه‌های متعلق به دوره‌های قدیمی‌تر از مس‌وسنگ میانه در منطقه

یکی از مباحث جالب و خاص منطقه شرق استان کردستان و به‌ویژه شهرستان بیجار در زمینه گاهنگاری، عدم وجود سفال‌های دوره نوسنگی و مس‌وسنگ قدیم براساس داده‌های موجود است. در شرق استان کردستان که شهرستان بیجار نیز جزئی از آن است، ۱۱ فصل بررسی باستان‌شناختی انجام شده و مناطق مختلف آن اعم از کوه‌پایه‌ها، دشت‌ها و تپه ماهورها بررسی شده و محوطه‌های فراوانی از دوره مس‌وسنگ میانی تا دوره‌های متأخر اسلامی شناسایی و به ثبت رسیده‌اند، به‌طوری که از دوره مس‌وسنگ میانه بیش از ۱۲۵ محوطه شناسایی شده است در حالی که هیچ‌گونه محوطه نوسنگی و یا سفالی قدیمی‌تر از دالما گزارش نشده است (ساعدموچشی ۱۳۹۰). البته قطعیت در مورد شناسایی تمام محوطه‌های باستانی را در هیچ موردی حتی در صورت پیمایشی بودن آن نمی‌توان ابراز داشت چرا که عوامل مختلفی مانند: فرسایش، رسوب‌گذاری دشت‌ها، کیفیت پایین بررسی و غیره می‌تواند بر از بین رفتن یا عدم دسترسی به محوطه‌ها تأثیرگذار باشد

و شاید در بررسی‌های آینده محوطه‌های قدیمی‌تر شناسایی گردد، کما این‌که در منطقه مرتفعی چون ابهر محوطه نوسنگی شناسایی و کاوش شده است (عالی ۱۳۸۵ و Valipour et. al 2013; Alibaigi & Khosravi 2009). اما باید در نظر داشت که شناسایی تعداد بیش از ۱۲۵ محوطه متعلق به دوران مس و سنگ (ساعدموچشی ۱۳۹۰) و عدم شناخت حتی یک محوطه قدیمی‌تر، این احتمال که در دوره دالمایی محوطه‌ها به گسترش کامل در منطقه می‌رسند، بسیار محتمل است. همین قضیه نیز دلیلی بر این امر است که نقصان شیوه‌های بررسی را در این امر خیلی دخیل ندانیم. البته ناگفته نماند که براساس محوطه‌های کاوش شده بازه زمانی ارایه شده برای مرحله دالما (۴۲۰۰ تا ۳۷۰۰ ق.م برای آذربایجان تا زاگرس مرکزی) را نباید به‌طور قطع به‌عنوان بازه‌ای غیر قابل تغییر دانست، چرا که در کاوش تپه کلنان تاریخ مطلق ۴۰۴۲ ق.م از لایه ۸ به‌دست آمد (ساعدموچشی و دیگران، ۱۳۹۰: ۵۰). این تاریخ با افق سفال منقوش دالما (فاز قدیمی‌تر دالما) در سایر مناطق هم‌زمان است، در حالی که در تپه کلنان تعداد سفال منقوش کم و بیشتر سفال‌ها را طیف ساده آن تشکیل می‌داد (توضیح این‌که سفال‌های منقوش دالمایی از انواع ساده و فشاری قدیمی‌تر است) از این‌رو می‌توان این احتمال را مطرح کرد که سنت منقوش دالمایی در این منطقه و نیز احتمالاً در آذربایجان می‌تواند به تاریخی قدیمی‌تر از تاریخ‌های موجود برگردد و بعید نیست که بخشی از فاز دالما به دوره‌ای هم افق با مس و سنگ قدیم زاگرس مرکزی تاریخ‌گذاری شود.

یکی از ویژگی‌های نواحی شمال‌غربی ایران عدم وجود مواد فرهنگی دوره‌ی مس و سنگ قدیم است، به‌طوری که در بیشتر نقاط آن بعد از دوره نوسنگی جدید (دوره حاجی‌فیروز)، دوره مس و سنگ میانه هم‌زمان با دوره دالمایی را ذکر کرده‌اند به این نحو که چه در بررسی‌ها و چه در کاوش‌های بعد از دوره حاجی‌فیروز که تا ۵۲۰۰ ق.م (هول ۱۳۸۱) ادامه پیدا می‌کند، یک هزاره فترت وجود دارد و بعد از آن دوره دالمایی ظاهر می‌شود (هول، ۱۳۸۷: ۷۷ و هول، ۱۳۸۱: ۱۰۰). در هیچ کاوشی در آذربایجان چه در غرب و چه در شرق دریاچه ارومیه هیچ محوطه‌ای با آثار دوران مس و سنگ قبل از دالما (قبل از ۴۲۰۰ ق.م) ذکر نشده است. این وضعیت را حتی در استان اردبیل نیز می‌بینیم. در کاوش محوطه قوشاتپه شهریری در ۷۰ کیلومتری شمال‌غربی اردبیل بعد از دوره نوسنگی جدید دوره دالمایی با یک هزاره فترت ظاهر می‌شود (هژبری‌نوبری و پورفرج ۱۳۸۵). در شهرستان بیجار نیز وضعیت مشابهی را شاهدیم. در این منطقه نیز هیچ‌گونه محوطه‌ای متعلق به دوره مس و سنگ قدیم شناسایی نشده است یا لاقلاً ما براساس مواد موجود قادر به تشخیص آن نبوده‌ایم. تنها نقطه اختلاف منطقه حاشیه رودخانه قزل‌اوزن در بیجار با منطقه آذربایجان، در عدم وجود دوره نوسنگی در بیجار است. شاید دلیل آن را بتوان به علت ارتفاع زیاد بیجار، شرایط اقلیمی خشک و سخت دانست. شاید هم به‌دلیل عدم مشابهت منطقه بیجار با مناطقی است که فرهنگ نوسنگی حسونایی در آن‌ها رایج بود، روندی که منجر به شکل‌گیری فرهنگ دوره حاجی‌فیروز در آذربایجان شد. ویت معتقد است که فرهنگ نوسنگی حاجی‌فیروز در مکان‌ها و مناطقی گسترش یافته که مستلزم تغییرات بسیار اندک در نظام معیشتی نهادینه آنان بود (ویت، ۱۳۸۷: ۴۸۸). با در نظر داشتن این نظریه، منطقه بیجار با منطقه آذربایجان به



لحاظ جغرافیایی و معیشتی متفاوت است و مورد نظر مردمان نوسنگی حاجی فیروز نبوده است. علاوه بر آذربایجان در شرق استان زنجان نیز این وقفه بین دوره‌های نوسنگی و دالما قابل مشاهده است، به طوری که بعد از دوره نوسنگی با وقفه‌ای مشابه آذربایجان، سفال‌های دالمایی ظاهر می‌شود (خسروی و دیگران ۱۳۸۹). در منطقه حاشیه رودخانه گاماسیاب که توسط سعیدی‌هرسینی بررسی و مطالعه شده، با وجود شناسایی بیش از ۱۵۰ محوطه دوره مس‌وسنگ میانه و جدید، فقط ۴ محوطه مربوط به دوره مس‌وسنگ قدیم شناسایی شده است. از شهرستان نهاوند هیچ‌گونه محوطه‌ای از این دوره ذکر نشده است (سعیدی‌هرسینی، ۱۳۸۵: ۴۸۰). بررسی نامبرده، ۴ شهرستان حاشیه رودخانه گاماسیاب را شامل می‌شود. کمبود محوطه‌های مس‌وسنگ قدیم در مقایسه با دوره‌های میانه و جدید در گاماسیاب و نبود این دوره در حاشیه رودخانه قزل‌اوزن تا حدودی الگوهای مشابهی را از این حیث ارائه می‌کند. منطقه بیجار از منطقه گاماسیاب مرتفع‌تر است و احتمالاً همین عامل بر عدم وجود محوطه‌های مس‌وسنگ قدیم و نوسنگی تأثیرگذار بوده است. علاوه بر عامل ارتفاع زیاد منطقه، عوامل دیرین اقلیم‌شناسی نیز در این امر دخیل بوده است.

### تأثیر عوامل دیرین اقلیم‌شناسی بر عدم یا کمبود؟ استقرارهای پیش از دوره مس‌وسنگ میانه منطقه

شواهدی در دست است که شرایط اقلیمی در اوایل هلوسن با شرایط امروز تا حدود متفاوت بوده است، مسئله‌ای که می‌تواند بر کمربندهای رویش، منابع آب، خاک، جانداران و نیز الگوهای استقرار کشاورزان موثر واقع شود. در بحث مربوط به شرایط جغرافیایی منطقه بیجار در این جا و نیز تلفیق آن با مطالعات دیرین اقلیم‌شناسی می‌توان دلایل جغرافیایی و دیرین اقلیم‌شناسی را در این امر مؤثر دانست. در منطقه بیجار و در شهری چون بیجار میانگین حداقل و حداکثر دما به دلیل ارتفاع زیاد آن از سطح دریا در سال در حدود ۷۸ درجه است و تعداد روزهای یخبندان ۱۹۵ روز است، بدین ترتیب فقط ۱۷۰ روز، زمان آزاد از یخ است که این امر یادآور برخی از نواحی جنب قطبی است (جعفرپور، ۱۳۵۶: ۶۳). علاوه بر این در همین قسمت به تغییرات اقلیمی در دوره هلوسن میانه و در دوره تقریبی ۴۰۰۰ ق.م و هم‌زمان به دوره دالما اشاره شده که به نظر می‌رسد با شروع و گسترش استقرار در این منطقه مرتبط باشد. براساس مطالعات دیرین دریاچه‌شناسی، منطقه زاگرس از شروع دوره هلوسن تا ۴۰۰۰ ق.م تا حدودی خشک‌تر از امروز بوده است. در ۴۰۰۰ ق.م با افزایش و در عین حال ثبات در بارش مواجهیم و شرایط اقلیمی تا حدودی خنک‌تر شده است. در ۴۰۰۰ ق.م، دوره خشک به پایان رسید (Purser, 1973: 15) و رطوبت و بارش زاگرس به سطح کنونی می‌رسد (Van Zeist & Wright 1963). در هزاره چهارم ق.م سطح آب‌های خلیج فارس ۳ متر بالاتر از سطح کنونی بوده است (بروکس، ۱۳۷۷: ۱۰)، این در حالی است که در ۵۰۰۰ ق.م این میزان ۱۰ متر پایین‌تر از سطح معاصر بوده است (Zarins, 1992: 57). افزایش نزولات جوی در هلوسن میانه (هم‌زمان با مس‌وسنگ میانه) به زاگرس منحصر نبوده و در هلال حاصلخیزی این افزایش به ۵۰ درصد می‌رسد (Crown, 1972: 320).

با در نظر گرفتن شرایط اقلیمی نامساعد قبل از ۴۰۰۰ قبل از میلاد و نیز احتساب ارتفاع منطقه شرق کردستان و نیز نبود (براساس داده‌های کنونی) و یا کمبود آن (در صورت کشف در پژوهش‌های آینده) می‌توان عامل بارش و نیز سرما را عوامل اصلی نبود آثار قدیمی‌تر از مس‌وسنگ میانه دانست. تقدم و تأخر در شروع استقرارها در مناطق زاگرس نیز دیده می‌شود. غرب منطقه زاگرس مرکزی زودتر از شرق دارای استقرار شد. دونالد مک‌کان به تأثیرات زیست‌محیطی شرق و غرب زاگرس مرکزی در توضیح این امر اشاره دارد. وی تفاوت در زهکشی زمین‌ها، شرایط اقلیمی، فرم زمین و واحدهای زمین ریخت‌شناسی را در این امر مؤثر می‌داند. علاوه بر این شرق زاگرس مرکزی دارای دره‌هایی مرتفع‌تر، کم وسعت‌تر و ضخامت خاک کم‌تری است. به‌طور عموم بخش شرقی زاگرس مرکزی بلندتر، سردتر، و خشک‌تر از غرب آن است و از قابلیت‌های کشاورزی پایین‌تری برخوردار است و فاقد منابع غذایی و معدنی مهم برای انسان دوره نوسنگی است. در حالی که با تغییر شرایط اقلیمی در میانه دوره هلوسن بین این دو بخش تا به امروز اختلافی دیده نمی‌شود. تنها در دوره مس‌وسنگ بود که با بهبود شرایط اقلیمی و افزایش قابلیت کشاورزان توانستند تمام سال را در تعداد انگشت شماری محوطه در بخش شرقی سر کنند (McDonald, 1979: 577). شباهت‌های منطقه‌ای بیچار با شرق زاگرس مرکزی را هم در شرایط جغرافیایی مشابه و هم در الگوهای استقراری مشابه می‌توان مشاهده کرد. این شباهت‌ها به تأخیر در شروع استقرار، ارتفاع زیاد آن‌ها و میزان بارش آن‌هاست. میزان بارش نزولات جوی در زاگرس مرکزی بین ۳۵۰ تا ۵۰۰ میلی‌متر است که با حرکت از غرب به شرق و از شمال به جنوب آن از میزان آن کاسته می‌شود (McDonald, 1979). میزان متوسط بارش سالیانه در بیچار ۴۰۹ میلی‌متر و (محمودی، ۱۳۵۲: ۱۳) مشابه منطقه شرق زاگرس مرکزی است. منطقه شرق کردستان به لحاظ ارتفاع یکی از مرتفع‌ترین دشت‌های ایران است و میانگین ارتفاع از سطح دریا‌های آزاد محوطه‌های دوره مس‌وسنگ آن در نوع خود بی‌نظیر است.

در شهرستان بیچار دوره‌ای متعلق به قبل از دوره دالما (گودین X) -مانند سنت سفال شهن‌آباد- شناسایی و کاوش نشده است. دوره شهن‌آباد در کنگاور با بخشی از دوره‌ی سفال جی در غرب آن هم دوره است (Levine & Young, 1988: 17). تاریخ‌گذاری مطلق دوره شهن‌آباد متعلق به هزاره پنجم ق.م است در حالی که در استان کردستان این نوع سفال به‌دست نیامده است؛ از این رو به‌نظر می‌رسد که شروع استقرار در شرق زاگرس مرکزی دو سده زودتر از شهرستان بیچار بوده است. مجموعه شهن‌آباد قدیمی‌تر از دالماس است (Levine and McDonald, 1977: 46; Levine and Young, 1988: 17). با وجود این که تقدم در شروع استقرار در شرق زاگرس مرکزی نسبت به منطقه بیچار، تعداد محوطه‌های گزارش شده آن زیاد نیست. از کنگاور هیچ محوطه دیگری از فاز شهن‌آباد معرفی نشده است، اما در ملایر واقع در جنوب شرق، دو محوطه گزارش شده است (Howell, 1979: 157). در بررسی نسبتاً فشرده دره کنگاور نشانه مشخصی از استقرار این منطقه در دوره نوسنگی متأخر به‌دست نیامده و بررسی‌های گسترده‌تر در دره‌های اسدآباد، نهاوند و صحنه نیز ظاهراً چنین‌اند (اسمیت و یانگ، ۱۳۸۲: ۴۶). البته باید خاطر نشان کرد که یانگ در انتشارات اولیه خود، سفال‌هایی را که با عنوان گروه IA با ویژگی‌هایی

چون سفال‌های نارنجی - قرمز تا نخودی - صورتی طبقه‌بندی کرده بود را نخستین افق سفالی منطقه می‌دانست و آن‌ها را شبیه سفال‌های نوسنگی با شاموت خشن دوره حاجی‌فیروز دره سولدوز، تپه سراب کرمانشاه، تپه گوران لرستان و علی‌کش دهلران می‌دانست اما در همان مقاله باز همین سفال‌ها را با سفال‌های لایه‌های تحتانی گودین - که قدیمی‌تر از دالما نیست - مقایسه کرده است (Young, 1966: 233). اسمیت و یانگ پیدا شدن دو تکه سفال مربوط به اواخر دوره سراب در تپه C محوطه سه‌گابی را - که مک‌دانلد شاهد بر وجود سکونت‌گاه‌های اولیه در دره‌های بالادست رود گاماسیاب در این منطقه پیش از آغاز استقرار در تپه C می‌دانست - دلیل بر استقرار کشاورزی در آن جا نمی‌دانند (اسمیت و یانگ، ۱۳۸۲: ۴۶).

### مشابهت در افزایش محوطه‌های دوره مس‌وسنگ میانه حوزه آب‌گیر رودخانه قزل‌اوزن با مناطق دیگر

افزایش محوطه‌های استقرار در دوره مس‌وسنگ در بیشتر نقاط ایران از ویژگی‌های خاص این دوره است. در دوره مس‌وسنگ شمار محوطه‌های شناخته شده هشت برابر شد و خاور نزدیک از جمله حوزه دریاچه ارومیه، فلات مرکزی ایران و بخش‌های شمالی و جنوبی بین‌النهرین به سرعت و به‌طور کامل مسکون شد (اسمیت و یانگ، ۱۳۸۲: ۳۸). در زاگرس نیز افزایش استقرارها را در سراسر منطقه می‌بینیم. در اواخر هزاره پنجم ق.م بیشتر مناطق خشک حتی به‌صورت پراکنده دارای استقرار می‌گردند (Hole, 1989: 153). در دوره عبید جدید که با دوره مس‌وسنگ میانه زاگرس هم‌زمان است استقرارها بیشتر نقاط بین‌النهرین را در بر می‌گیرد. سواحل قسمت‌های پست و بیشتر دره‌های مرتفع را روستاهای کوچک و دهکده‌ها پوشش می‌دهند و در قسمت‌هایی که از قابلیت کشت بهتری برخوردار بودند، یک یا چند مرکز ده‌هکتاری ظاهر می‌شود (Wright et al, 1975: 130)، پدیده‌ای که در بیجار در مقیاسی کوچک‌تر دیده می‌شود. در دوره دالما بیشتر مناطق این منطقه اعم از دشت‌ها و کوه‌پایه‌ها مسکونی می‌گردد.

گاف الگوهای استقراری گذر از عبید به اوروک دره‌های مرتفع لرستان را مشخص کرده است. هر دره بزرگ‌تر یک یا چند مرکز بزرگ‌تر بین ۳ تا ۱۰ هکتار را در بر می‌گیرد و بیشتر دره‌ها یک یا چند مرکز روستایی حدود ۱ هکتار را شامل می‌شود که دال بر جمعیت چند هزار نفری برای دره است، با این وجود غاری مانند: کنجی نشان بر جمعیت‌های کاملاً کوچ‌نشین در این تاریخ دارد (Goff, 1971: 145). مشخصه دوره مس‌وسنگ میانی در حوضه آب‌خیز کارون شمالی در استان چهارمحال و بختیاری افزایش شمار استقرارهای آن است (نوروزی، ۱۳۸۸: ۱۶۵). مس‌وسنگ میانه دوره اوج گسترش انفجاری استقرارها در سراسر منطقه بختیاری است. در این دوره استقرارها، هم از لحاظ تعداد و هم اندازه گسترش می‌یابند (زاگارل، ۱۳۸۷: ۷۱). در ماهیدشت نیز به افزایش محوطه‌های این دوره که با عنوان عبید معرفی شده است، اشاره شده است (Levine, 1975: 488). در دره هلیلان نیز هم‌زمان با ۴۰۰۰ ق.م با افزایش محوطه‌ها روبرویم (Mortensen, 1974: 31). نخستین شواهد ما برای مسکون شدن گسترده دره‌های کنگاور به دوره‌ای باز می‌گردد که در آن سفال دالما رواج داشت (اسمیت و یانگ، ۱۳۸۲: ۴۸). نتایج به‌دست آمده از دوره

مس‌وسنگ از منطقه سنقر در استان کرمانشاه نشان‌دهنده‌ی افزایش جمعیت در دوره مس‌وسنگ میانی نسبت به دوره قدیم آن است (موسوی و حیدریان، ۱۳۸۷: ۱۹۹). استقرار گسترده و کامل دشت ملایر حتی بعد از این و در دوره مس‌وسنگ جدید (گودین VI) آغاز شد (Howell 1979). در منطقه بیستون نیز استقرار گسترده در منطقه به دوره مس‌وسنگ میانی باز می‌گردد، به‌طوری که در این منطقه در محوطه نوسنگی میانی با ۲ محوطه استقرار شروع (مرادی‌بیستونی ۱۳۸۹) و در دوره مس‌وسنگ قدیم با کاهش به عدد ۱ می‌رسد، در حالی که در دوره مس‌وسنگ میانی به ۳۱ محوطه افزایش می‌یابد (محمدی‌قصریان ۱۳۹۱). علاوه‌بر این مناطق، در منطقه پیشکوه لرستان نیز افزایش جمعیت و استقرار در دوره مس‌وسنگ میانه گزارش شده است (Henrickson, 1985b: 40). در انتهای رشته کوه‌های زاگرس و در منطقه فارس هم افزایش تعداد استقرارهای مس‌وسنگ میانه دیده می‌شود (سامنر، ۱۳۷۷: ۴۲ و ۲۹: Alizadeh, 1988). یکی از نکات مشترک بیجار با سایر مناطق غرب در این است که نخستین شواهد ما برای مسکون شدن گسترده آن در دوره مس‌وسنگ میانی اتفاق افتاده است.

در منطقه ابهررود واقع در شرق منطقه بیجار نیز در دوره مس‌وسنگ میانه افزایش محوطه‌ها را شاهدیم. در حوزه آبریز ابهررود، دوره نوسنگی دارای یک محوطه است در حال که تعداد محوطه‌ها در دوره مس‌وسنگ میانه به ۱۹ عدد می‌رسد (عالی ۱۳۸۵ و Alibaigi et al. 2012). این وضعیت را در مناطق شرقی‌تر نیز می‌توان شاهد بود. براساس بررسی‌های باستان‌شناختی انجام شده در منطقه قمرود در استان قم، تعداد محوطه‌ها در هزاره چهارم ق.م به ۱۵ عدد افزایش می‌یابد. این تعداد رشدی سه برابری نسبت به دوره قبل از خود (۵ عدد در هزاره پنجم ق.م) را نشان می‌دهد (کابلی، ۱۳۷۸: ۵۲). افزایش شمار محوطه‌ها در این دوره را در منطقه شمال عراق نیز شاهدیم (Wilkinson, 2003: 40). همان‌طور که مشاهده شد، همه این مناطق همانند شهرستان بیجار رشد محوطه‌ها را در دوره مس‌وسنگ میانه نشان می‌دهد.

## قوم‌باستان‌شناسی: اشاره‌ایی به شیوه‌های معیشت روستاییان معاصر در منطقه بیجار

در راستای انجام پژوهش که بر شناخت الگوهای استقراری دوره مس‌وسنگ منطقه بیجار تمرکز دارد، سعی شد تا اطلاعاتی از شیوه‌های تعامل روستاییان با زیست‌محیط منطقه در موضوعاتی چون کوچ‌نشینی و رمه‌گردانی اخذ شود. پایه علمی استفاده از این داده‌ها مانند هر داده قوم‌باستان‌شناسی دیگری بر مقایسه استوار است. از این‌رو فرض بر شباهت دو پدیده در زمان حال و گذشته (دوره مس‌وسنگ) است. یکی از روندهای مرسوم معیشت در دوره مس‌وسنگ کوچ‌نشینی و رمه‌گردانی است (Abdi 2003). این دو شیوه با وجود این که شباهت‌ها و استعمال هر دو به‌عنوان یک مفهوم واحد دارای تفاوت‌هایی هستند. در شیوه کوچ‌نشینی مردم فصلی از سال را در یک منطقه و فصل دیگر را در منطقه‌ای دیگر می‌گذرانند و به روستایی خاص وابسته نیستند. در شیوه چراگاه‌گردی چوپان‌ها به روستا وابسته‌اند. در شیوه اخیر چند مدل مختلف را می‌توان ارائه داد، به این نحو که ممکن است فرد گله‌دار پس از چرای دام‌های خود و پیمایش چندین کیلومتری اطراف روستای خود، شب‌ها

را در خانه خود سپری کند. در مدل دیگر دام‌دار می‌تواند روزها یا فصلی از سال را در ارتفاعات (در فصول گرم سال) به همراه گله خود سپری کند. در این شیوه ممکن است برای اسکان مکان‌های فصلی کوچکی نیز ایجاد شود. با بررسی‌های قوم‌باستان‌شناسی مختصری که در پاییز ۱۳۸۹ در منطقه بیجار (ساعدموچشی ۱۳۹۰) به عمل آمد دو شیوه معیشت روستایی در منطقه بیجار مشاهده شد. در هر دو شیوه پایه اسکان به صورت دایم در روستا است. به عبارت دیگر با وجود این که تفاوت در شیوه تطابق با محیط در هر دو سبک مردمان از محلی ثابت به نام روستا بهره می‌گیرند. در این پژوهش دو گونه مختلف روستا یعنی روستاهای واقع در مرکز و حاشیه (در نزدیکی ارتفاعات) شهرستان انتخاب شد. در مرحله اول روستایی از مرکز دشت که دارای زمین‌های مساعدی برای کشاورزی بود انتخاب و در مرحله دوم به جمع‌آوری داده‌ها از روستایی در ارتفاعات که از زمین‌های مناسبی برای کشت برخوردار نبود متمرکز شدیم. برای روستای داخل دشت روستای سیرلان در دهستان بابارشانی و برای روستاهای موجود در ارتفاعات، روستاهای مرتفع دهستان‌های طغامین و کرانی در شهرستان بیجار مانند: چناق، شریف‌کندی، خان‌کندی، آغ‌کند، قره‌کند و سراب انتخاب شد.

### اطلاعات قوم‌باستان‌شناسی روستاهای حاشیه شمالی شهرستان بیجار (حاشیه ارتفاعات)

در روستاهای این منطقه به دلیل وجود زمین‌های نامساعد جهت کشاورزی، صعب‌العبور بودن منطقه، شیب زیاد اراضی، بازدهی کم‌تر زمین‌ها و امکان کم‌تر آبیاری زمین‌ها بر دام‌داری تأکید بیشتری می‌شود. در این روستاها مردم اکثراً دام‌دارند و در نگهداری دام‌ها بر دام‌های بز و گوسفند تأکید می‌شود و تعداد گاو کم‌تر است. در روستاهای حاشیه ارتفاعات، برخلاف روستاهای مناطق مرکزی که گله‌داران شب‌ها را در خانه خود سپری می‌کنند، در ایام گرم سال گله‌های خود را به کوه‌ها برده و تا شروع سرما حیوانات خود را در آن‌جا نگهداری می‌کنند. دلیل این امر استفاده از مراتعی است که هم نسبت به دشت‌ها دیرتر شروع به رشد می‌کنند و هم این که گله حیوانات روستاها امکان استفاده از آن‌ها را در اوایل فصل بهار ندارند. روستاهای مناطق مرتفع شمالی شهرستان بیجار از اردیبهشت به چراگاه‌های مرتفع کوچ می‌کنند و تا اواخر مهر و اواسط آبان از چراگاه‌های آن استفاده می‌کنند. در این منطقه معمولاً علوفه مورد نیاز حیوانات خود را در بالای خانه‌ها و بدون این که آن‌ها را خرد کنند، نگهداری می‌کنند.

داده‌های قوم‌باستان‌شناسی واقع در دشت (روستای سیرلان): نگهداری انواع حیوانات شامل گوسفند، بز، گاو، سگ، اسب و الاغ در روستا دیده می‌شود. تعداد سگ‌های روستا زیاد است که دلیل این امر وجود حیوانات وحشی زیادی است که در منطقه بیجار زندگی می‌کنند. در این روستا چرای حیوانات به صورت مشترک یا یک چوپان برای بخشی از روستا و یا هر خانه‌ای با چوپان خود (معمولاً از اعضای خانواده) صورت می‌گیرد. در هر خانه به‌طور متوسط ۱۰۰ رأس گوسفند نگهداری می‌شود. میانگین تعداد بزها در هر خانه ۵ الی ۶ عدد است. مسافتی که توسط چوپانان برای چرای حیوانات طی می‌شود بسیار زیاد و در حدود ۷ کیلومتر

است. به‌عنوان مثال چوپان‌های ساکن روستای سیرلان تا کوه‌گیریا (گابورده) حیوانات را برای چرا برده و غروب به روستا بر می‌گردند. در روستای سیرلان در هیچ روزی از سال حیوانات را در کوه‌ها نگهداری نمی‌کنند و هر روز آن‌ها را به روستا بر می‌گردانند. زمین‌های این روستا نسبت به روستاهای مجاور بیشتر است. در روستای سیرلان، تا زمان بارش برف حیوانات به چرا برده می‌شوند و نگهداری حیوانات در طول به‌طوری که در ماه‌های سرد سال به‌طور میانگین از اواسط آذر تا اواسط فروردین انجام می‌شود. علوفه مورد نیاز از زمین‌های کشاورزی جمع‌آوری می‌شود. فصل زایش حیوانات در سال یک‌بار و بیشتر در فصل پاییز و تابستان است و برای ذبح حیوانات جهت مصرف، بیشتر از گوسفندان نر یک ساله استفاده می‌شود. حیوانات بیشتر در زمین‌های کشاورزی درو شده و یا آیش به چرا برده می‌شوند تا در کوه‌ها. هیچ‌گاه عشایر به این روستا کوچ نمی‌کنند و براساس گفته اهالی مردمان روستای سیرلان همیشه یک‌جانشین بوده‌اند.

با مقایسه روستای سیرلان به‌عنوان منتخبی از روستاهای دشت‌نشین با روستاهای شمالی شهرستان بیجار در دهستان‌های کرانی و طغامین می‌توان دو شیوه معیشت را مشاهده کرد. نخست: مردمان مرکز دشت که از زمین‌های بهتری برخوردارند و ضمن کشاورزی به دامداری چراگاه‌گردی در اطراف روستا می‌پردازند و شب‌ها را در روستاهای خود سپری می‌کنند. در شیوه دوم که در روستاهای حاشیه دشت و روستاهای مرتفع دیده می‌شود، به‌دلیل کیفیت پایین زمین‌های کشاورزی بر دامداری تأکید بیشتری می‌شود. علاوه‌بر این و مهم‌تر از اختلاف قبلی، روستاییان این منطقه در فصول گرم سال به همراه گله به ارتفاعات می‌روند و ضمن نگهداری حیوانات در کوه‌ها، شب‌ها را تا فصل سرما در آن‌جا سپری می‌کنند. در روستای سیرلان برخلاف روستاهای حاشیه ارتفاعات شمالی بیجار، علوفه مورد نیاز حیوانات خود را با وسایلی چون خرمن‌کوب خرد کرده و آن‌را در انبار گاه ذخیره می‌کنند.

### نتیجه‌گیری

براساس این پژوهش تعداد ۷۶ محوطه مس‌وسنگ در شهرستان بیجار شناسایی گردید. سنت‌های سفالی مناطق شمال‌غربی ایران مانند: سفال دالمایی و پیزدلی و نیز سنت‌های زاگرس مرکزی چون گودین VII، IX و VI دیده می‌شود. شروع استقرارهای منطقه با مس‌وسنگ میانه است و احتمالاً دلایل زیست‌محیطی در این امر موثر بوده است. در این دوره شاهد افزایش ناگهانی محوطه‌ها نیز هستیم. در دوره مس‌وسنگ میانی، پراکنش محوطه‌ها طیف گسترده‌ای از مناطق مرتفع تا دشت‌ها را شامل می‌شود و سه خوشه برای الگوهای استقراری آن پیشنهاد شده است. این سه خوشه در دوره مس‌وسنگ جدید نیز دیده می‌شود. در دوره مس‌وسنگ جدید از تعداد محوطه‌ها کاسته شده و الگوهای استقراری و پراکنش محوطه‌ها دچار تغییرات فاحشی با دوره قبل می‌گردد که از این حیث با بسیاری از مناطق ایران هم‌خوانی دارد. تمایل به استقرار در مناطق حاشیه‌ای‌تر، تمایل به قرارگیری محوطه‌ها در کنار چشمه‌ها، کاهش تعداد محوطه‌ها و کاهش تعداد محوطه‌های بزرگ‌تر از سه هکتار احتمالاً رشد کوچ‌نشینی و یا روستاهای با اقتصاد رمه‌گردانی را یادآور می‌شود. البته می‌توان چنین در نظر داشت که

بخشی از جمعیت دوره مس‌وسنگ میانه به محوطه‌های بزرگ‌تر مس‌وسنگ جدید جذب شده‌اند، چون در دوره اخیر محوطه‌ها تا حدودی بزرگ‌تر شدند. براساس خوشه‌بندی ذکر شده می‌توان طیف گسترده‌ای از محوطه‌های مرکزی تا روستاهای کوچک یک‌جانشین و پایگاه‌های کوچک فصلی را پیشنهاد کرد. خوشه اول محوطه‌های کم‌تر از نیم هکتار را شامل می‌شود. موقعیت قرارگیری آن‌ها در منطقه نیز به ضعیف بودن قابلیت کشاورزی آن‌ها اشاره دارد. علاوه بر این ضخامت لایه‌های فرهنگی آن‌ها نیز ضعیف است، از این‌رو کاربری موقتی برای آن‌ها پیشنهاد شده است. مناطق اطراف شهرستان بیجار چه در استان کردستان و چه در استان‌های همجوار همگی مرتفع‌اند و بعید به‌نظر می‌رسد که کوچ‌نشینان کاملاً تخصصی به این منطقه تردد داشته و این پایگاه‌ها را ایجاد کرده باشند، براین اساس شیوه کوچ‌نشینی رمه‌گردانی برای تعدادی از محوطه‌های کوچک پیشنهاد می‌شود. یکی دیگر از دلایل این امر وجود چنین شیوه‌ای در حال حاضر در منطقه است. یکی از نتایج این پژوهش چه به‌صورت مطالعات باستان‌شناختی و چه به‌صورت قوم‌باستان‌شناختی، پیشنهاد شیوه رمه‌گردانی در دوره مس‌وسنگ است، به این صورت که پایگاه‌های کوچک فصلی‌ای در منطقه قرار داشته که شبان‌ها شب‌هایی از سال را در آن‌جا به همراه گله‌ها جهت بهره‌برداری از مراتع سپری می‌کردند و در باقی اوقات سال به روستاهای خود باز می‌گشتند. دلیل این امر در گذشته وجود محوطه‌هایی بسیار کوچکی است که حتی مساحت آن‌ها کم‌تر از ۵۰۰ متر مربع و گاهی تا ۱۵۰ متر مربع است. محوطه‌های خوشه اول یا در ارتفاعات و یا در پایین‌ترین بخش‌های شهرستان قرار گرفته‌اند که می‌تواند به بهره‌برداری از تمام ظرفیت‌های دامداری منطقه اشاره داشته باشد. خوشه دوم مورد بحث در این‌جا که مساحتی بین نیم تا سه هکتار را داراست، محوطه‌هایی هستند که غالباً در مناطق مختلفی از شهرستان پراکنده شده‌اند و قابلیت استفاده از دشت‌ها، رودها و کوهستان‌ها را دارا هستند و می‌توان زندگی روستائینی را برای آن‌ها پیشنهاد کرد. احتمالاً مردمان این خوشه و خوشه سوم، عاملان ایجاد تعدادی از محوطه‌های خوشه اول هستند. خوشه سوم محوطه‌هایی هستند که غالباً در مرکز دشت‌ها و در کنار رودهای بزرگ و پرآب و نیز در گذرگاه‌های طبیعی ایجاد شده‌اند و از ارتفاع پایین‌تری نسبت به سایر محوطه‌ها برخوردارند و می‌تواند نقش مرکزی را در منطقه ایفا کند. علاوه بر این حجم نهشته‌های فرهنگی آن‌ها بالاست. تقریباً این سه خوشه در هر دو دوره مس‌وسنگ میانه و جدید دیده می‌شود.

جدول ۱: نام و مشخصات محوطه‌ها

ردیف	نام محوطه و روستای مربوطه	نام دهستان	فاصله تا منابع آب (متر)	طول و عرض براساس متر	ارتفاع از سطح دریا براساس متر	مختصات براساس طول شرقی و عرض شمالی	دوره (های) پیشنهادی
۱	محوطه دیه کهن روستای آب باریک	سیاه منصور	کنار چشمه	۶۰ در ۱۵۰	۱۸۲۴	۳۶° ۱۰' ۳۸.۰۰" ۴۷° ۳۶' ۳۳.۴۳"	مس و سنگ میانه (دالمایی) و اسلامی
۲	تپه باستانی روستای اوج گل	سیاه منصور	۶۰	۳۵ در ۳۰	۱۶۳۰	۳۶° ۱۳' ۵.۱۸" ۴۷° ۲۶' ۲۷.۰۰"	مس و سنگ جدید (گودین ۶) و اسلامی
۳	تپه کانی چیمن روستای قره بلاغ میانکوه	سیاه منصور	کنار چشمه	۱۵۰ در ۲۰۰	۱۹۱۸	۳۵° ۵۴' ۴۴.۵۶" ۴۷° ۳۴' ۱۳.۹۹"	مس و سنگ جدید و عصر آهن.
۴	تپه امامزاده روستای آب باریک	سیاه منصور	۳۰	۴۰ در ۵۵	۱۸۶۴	۳۶° ۱۰' ۴۸.۰۰" ۴۷° ۲۵' ۲۹.۶۵"	مس و سنگ میانه(دالمایی).
۵	تپه قره زمین حسن آباد چاروق	سیاه منصور	۳۰۰ رودخانه فصلی	۴۰ در ۳۰	۱۸۲۰	۳۶° ۱۱' ۱۴.۴۰" ۴۷° ۳۲' ۹.۷۳"	مس و سنگ میانه (دالمایی) و تاریخی.
۶	تپه شمامه روستای گچه گنبد	سیاه منصور	کنار رودخانه فصلی	۳۵ در ۳۰	۲۰۲۵	۳۶° ۱۳' ۱۸.۶۶" ۴۷° ۱۱' ۱۹.۰۰"	مس و سنگ میانه (دالمایی).
۷	تپه کانی دوست علی روستای گل بلاغ	سیاه منصور	کنار آبراهه	۲۰۰ در ۱۵۰	۱۸۶۴	۳۶° ۹۰' ۱۵.۸۹" ۴۷° ۳۴' ۴۸.۳۶"	مس و سنگ میانه (دالمایی) و مس و سنگ جدید(سفال قرمز شرق دریاچه ارومیه)، عصر آهن.
۸	تپه دیبک داشی روستای آغبلاغ	دهستان طغامین	کنار چشمه	۷۴ در ۱۰۰	۲۰۴۷	۳۶° ۱۷' ۱۹.۶۶" ۴۷° ۳۰' ۴۸.۶۶"	مس و سنگ جدید (گودین ۷).
۹	تپه قلعه ی روستای اوج گنبدخان	دهستان طغامین	کنار رودخانه	۱۱۰ در ۸۰	۱۷۶۴	۳۶° ۱۴' ۶.۷۹" ۴۷° ۳۶' ۲۰.۶۳"	مس و سنگ میانی(دالمایی) و تاریخی.
۱۰	محوطه اولچه بلاغ روستای بستان دره	دهستان طغامین	کنار آبراهه	۲۱۰ در ۱۳۰	۲۰۶۸	۳۶° ۲۰' ۳۳.۱۱" ۴۷° ۳۳' ۷.۲۳"	مس و سنگ میانی (دالمایی)
۱۱	تپه حسین آباد گل تپه	دهستان طغامین	کنار چشمه	۳۵ در ۴۵	۱۹۹۵	۳۶° ۱۵' ۵۹.۱۱" ۴۷° ۲۹' ۹.۵۰"	مس و سنگ میانه (دالمایی).
۱۲	قبرستان قدیمی روستای آغکند	دهستان طغامین	کنار چشمه	۱۱۰ در ۱۰۰	۲۰۳۱	۳۶° ۲۳' ۹.۱۵" ۴۷° ۳۴' ۵.۵۵"	مس و سنگ جدید(گودین ۷).
۱۳	قبرستان روبرو ممالغ(قلم ستان) روستای سراب	دهستان طغامین	کنار رودخانه فصلی	۵۰ در ۶۰	۲۰۱۱	۳۶° ۱۸' ۹.۷۴" ۴۷° ۳۳' ۳۵.۵۰"	مس و سنگ میانی(دالمایی).
۱۴	تپه های دره زمین روستای قزلجه	دهستان طغامین	۲۳۰	۱۵ در ۱۰	۱۹۶۰	۳۶° ۱۷' ۷.۳۳" ۴۷° ۳۴' ۹.۰۷"	مس و سنگ میانه (دالما) و دوره ی اسلامی.
۱۵	محوطه قلعه گوزوی روستای شریف کندی	دهستان طغامین	۲۰۰	۴۰ در ۵۰	۲۰۲۰	۳۶° ۱۸' ۱۸.۵۵" ۴۷° ۳۶' ۳.۶۱"	مس و سنگ میانی(دالمایی) و دوران اسلامی.
۱۶	تپه شهرک چای روستای شهرک	دهستان کرانی	کنار چشمه	۵۰ در ۴۰	۲۲۲۹	۳۶° ۲۴' ۹.۳۰" ۴۷° ۲۹' ۵.۰۸"	مس و سنگ جدید (گودین ۷).
۱۷	تپه سویدری شهریار یاسوکند	دهستان کرانی	۲۰۰ چشمه	۱۰ در ۳۳	۱۷۱۵	۳۶° ۱۸' ۳۴.۵۵" ۴۷° ۴۶' ۲.۳۶"	مس و سنگ جدید (گودین ۷) و تاریخی.
۱۸	تپه مرد الو دره سی روستای قیطاس	دهستان کرانی	۱۲۰	۱۹۰ در ۵۰	۲۰۱۶	۳۶° ۲۰' ۳.۷۸" ۴۷° ۴۴' ۱۴.۸۰"	مس و سنگ میانه (گودین ۸).
۱۹	تپه شماره ۲ تپه میل آزاد ویس بالا	دهستان کرانی	۱۴۰ چشمه	۸۵ در ۶۰	۲۰۰۰	۳۶° ۲۰' ۴.۵۹" ۴۷° ۴۸' ۶.۴۳"	مس و سنگ میانی (گودین ۸) و اسلامی.
۲۰	تپه رویه رویی(شکر بلاغی) آزادویس سفلی	دهستان کرانی	کنار چشمه	۷۰ در ۱۲۰	۱۹۴۱	۳۶° ۱۹' ۷.۳۹" ۴۷° ۴۷' ۹.۸۳"	مس و سنگ میانه و جدید و دوره اسلامی.
۲۱	تپه کهنه آغ یازی روستای آغ یازی	دهستان کرانی	۱۷۰	۱۳۰ در ۱۲۰	۱۹۵۶	۳۶° ۲۱' ۲.۹۳" ۴۷° ۳۷' ۹.۴۴"	مس و سنگ میانه (دالمایی و سرگراب)، عصر آهن ۳ و اشکانی.
۲۲	پیر دره سی نوشاد	دهستان کرانی	۲۰۰	۷۰ در ۶۰	۱۶۵۴	۳۶° ۱۵' ۲۷.۲۰" ۴۷° ۴۱' ۲۵.۹۰"	مس و سنگ میانه و عصر آهن.
۲۳	تپه لله کهریزی شوره درسی شهر یاسوکند	دهستان کرانی	۱۸۰ چشمه	۵۰ در ۲۰	۱۶۲۶	۳۶° ۱۵' ۷.۶۶" ۴۷° ۴۶' ۳.۶۶"	مس و سنگ جدید و عصر آهن ۳.
۲۴	تپه حسن خان گز سی روستای آغ یازی	دهستان کرانی	کنار رودخانه	۹۵ در ۱۱۰	۱۸۷۰	۳۶° ۲۱' ۱.۴۵" ۴۷° ۳۷' ۴.۶۴"	مس و سنگ میانه (دالمایی).



۲۵	قلا تپه (قلعه تپه) روستای نوشاد	دهستان کرانی	کنار رودخانه	۷۰ در ۳۵	۱۶۷۰	۳۶° ۱۵' ۶۱۹" / ۴۷° ۴۰' ۷۱۳"	مس و سنگ میانی (دالمایی) و احتمالاً تاریخی.
۲۶	کل تپه روستای چول ارخ	دهستان گرگین	کنار رودخانه	۳۰ در ۶۰	۱۵۱۱	۳۶° ۱۰' ۴۰۲" / ۴۷° ۴۶' ۵۰۴"	مس و سنگ میانی (دالمایی) و اسلامی.
۲۷	تپه های گل قشلاق روستای گل قشلاق	دهستان گرگین	کنار رودخانه	۱۰۰ در ۱۰۰	۱۶۸۱	۳۶° ۱۳' ۸۱۱" / ۴۷° ۵۵' ۴۸"	مس و سنگ میانی (دالما)، مس و سنگ جدید (پیزدلی) و عصر آهن.
۲۸	تپه قلعه روستای زیوه	دهستان گرگین	کنار رودخانه	۱۵۰ و ۲۰۰	۱۵۴۲	۳۶° ۱۳' ۱۱۹" / ۴۷° ۵۴' ۳۳۶"	مس و سنگ میانی (دالمایی) و اسلامی.
۲۹	منجوق تپه روستای گرگین	دهستان گرگین	کنار رودخانه فصلی	۲۰ در ۶۰	۱۴۹۸	۳۶° ۱۳' ۳۸۹۰" / ۴۷° ۵۳' ۱۹۶۴"	مس و سنگ میانی.
۳۰	تپه کول دره روستای تکیه	دهستان گرگین	۱۵۰ چشمه	۱۳۷ در ۲۰۰	۱۸۸۸	۳۶° ۱۸' ۱۵۰۴۷" / ۴۷° ۵۱' ۶۰۰۱"	مس و سنگ میانه (دالمایی) و مس و سنگ جدید (شرق دریاچه ارومیه).
۳۱	حسین تپه گرگین	دهستان گرگین	۴۰۰ رودخانه فصلی	۴۰ در ۳۰	۱۵۴۲	۳۶° ۱۳' ۲۰۸۳۳" / ۴۷° ۵۱' ۴۴۱۵"	مس و سنگ میانه (دالمایی)، مس و سنگ جدید (گودین ۶).
۳۲	تپه تریاخ لی روستای سلطان آباد دره ویران	دهستان سلتان	۱۰۰	۱۷۰ در ۱۷۰	۱۵۹۹	۳۶° ۰۳' ۴۲۳۹" / ۴۷° ۴۱' ۴۷۸۷"	مس و سنگ میانی (دالمایی) و دوره تاریخی
۳۳	تپه تخت روستای تخت	دهستان حومه	کنار رودخانه	۷۰ در ۱۰۰	۲۰۲۹	۴۷° ۳۷' ۳۶۲" / ۳۵° ۵۳' ۱۰۰۳"	مس و سنگ میانه (دالمایی) و عصر آهن.
۳۴	قلعه تنگه ویسمرید	دهستان حومه	کنار رودخانه	۸۰ در ۳۰۰	۱۹۰۹	۳۵° ۴۸' ۵۶۸" / ۴۷° ۲۹' ۸۵۵"	مس و سنگ جدید (گودین ۷) و تاریخی (اشکانی).
۳۵	محوطه شمال قلعه گلبلاغ علیا	دهستان حومه	۳۰۰ چشمه	۳۰ در ۵۰	۱۹۵۹	۳۵° ۴۷' ۱۵۶" / ۴۷° ۳۳' ۸۷۱"	مس و سنگ جدید (گودین ۷) و تاریخی.
۳۶	تپه بان دیونه چنگیز قلعه	دهستان حومه	کنار چشمه	۲۰۰ در ۱۵۰	۲۰۱۴	۳۵° ۵۳' ۱۶۰۹" / ۴۷° ۳۳' ۶۳۴"	مس و سنگ میانه (دالمایی) و تاریخی.
۳۷	تپه چشمه فخرالدین ویسمرید	دهستان حومه	کنار رودخانه	۸۰ در ۳۰۰	۱۹۲۵	۳۵° ۴۸' ۳۰۹۸" / ۴۷° ۲۹' ۵۰۱۸"	مس و سنگ میانی (دالمایی) و تاریخی
۳۸	قلعه بالای بیجار	دهستان حومه	کنار چشمه	۵۰ در ۵۰	۱۹۲۳	۳۵° ۵۳' ۱۸۵۹" / ۴۷° ۳۶' ۲۴۰۴"	مس و سنگ میانه، مس و سنگ جدید، عصر آهن ۳، دوران تاریخی و اسلامی متاخر.
۳۹	محوطه ناوقلای روستای خاندانقلی	دهستان حومه	کنار رودخانه	۲۰۵ در ۱۴۰	۱۹۲۳	۳۵° ۴۱' ۵۳۳" / ۴۷° ۲۵' ۲۰۱۳"	مس و سنگ میانی (دالمایی) و اسلامی.
۴۰	محوطه دره توانگل روستای سعداباد	دهستان حومه	۶۳۰	۵۰ در ۸۰	1958	۳۵° 50' 5.95" / ۴۷° 28' 3.18"	مس و سنگ جدید، عصر آهن.
۴۱	تپه کانی خان علی روستای سعداباد	دهستان حومه	کنار چشمه	۷۰ در ۱۵۰	۲۰۱۰	۳۵° ۵۰' ۱۲۸۹" / ۴۷° ۲۹' ۴۰۰۹"	مس و سنگ میانه (دالمایی) و عصر آهن ۳.
۴۲	تپه خولکوان سیه روستای دولت آباد	دهستان حومه	کنار چشمه	۱۰۰ در ۱۰۰	۱۹۷۴	۳۵° ۴۶' ۵۰۳۳" / ۴۷° ۴۲' ۴۰۸۳"	مس و سنگ میانی (دالمایی) و مس و سنگ جدید (گودین ۷).
۴۳	تپه دیونه روستای قراطوره	دهستان حومه	کنار رودخانه	۱۹۰ در ۱۲۰	۱۸۰۴	۳۵° ۴۸' ۵۶۳۰" / ۴۷° ۲۵' ۳۸۴۴"	مس و سنگ میانه (دالمایی)، مس و سنگ جدید (گودین ۷) و دوره اسلام میانه.
۴۴	محوطه کاروانسرای قراطوره	دهستان حومه	کنار چشمه	۱۵۰ در ۱۰۰	۱۸۴۷	۳۵° ۴۷' ۳۸۴۰" / ۴۷° ۲۶' ۵۴۰۰"	مس و سنگ میانی (دالمایی).
۴۵	تپه قشلاق آب باریک روستای دولت آباد	دهستان حومه	۱۰۰ چشمه	۹۰ در ۱۲۰	۲۰۲۵	۳۵° ۴۸' ۱۶۰۷" / ۴۷° ۴۱' ۱۸۰۰"	مس و سنگ میانه و مس و سنگ جدید و اسلامی میانه.
۴۶	تپه قلعه هوارگه کون روستای قم دره	دهستان حومه	کنار رودخانه	۷۰ در ۵۰ متر	۱۶۵۴	۳۵° ۵۶' ۹۰۴۵" / ۴۷° ۳۳' ۲۵۶۹"	مس و سنگ جدید (گودین ۷).
۴۷	تپه قشلاق گریه روستای دولت آباد	دهستان حومه	کنار چشمه	۱۹۰ در ۱۵۰	۲۰۷۷	۳۵° ۴۸' ۲۳۸۷" / ۴۷° ۴۴' ۸۶۰"	مس و سنگ میانه (دالمایی) و عصر آهن.
۴۸	تپه قره شیره روستای مقلی	دهستان حومه	کنار چشمه	۷۰ در ۵۰	۱۹۹۱	۳۵° ۴۸' ۰۶۰۴" / ۴۷° ۳۳' ۰۴۸"	مس و سنگ میانه (دالمایی) و عصر آهن.
۴۹	تپه قبرستان کینی کچکین چشمه کوره	دهستان خورخوره	کنار چشمه	۱۶۰ در ۱۳۰	۱۹۸۲	۳۵° ۴۸' ۸۱۴" / ۴۷° ۴۸' ۶۴"	مس و سنگ جدید و دوره تاریخی.
۵۰	تپه بان تاش علی آباد	دهستان نجف آباد	کنار رود فصلی	۸۰ در ۷۰	۲۰۲۳	۳۵° ۴۳' ۳۵۰۲۴" / ۴۷° ۲۱' ۲۷۸۴"	مس و سنگ جدید (شرق دریاچه ارومیه) و اسلامی.
۵۱	تپه درک ناسن حصار سفید	دهستان نجف آباد	کنار رودخانه فصلی	۴۰ در ۳۰	1903	۳۵° ۴۸' ۳۷۰۹۸" / ۴۷° ۱۰' ۵۹۰۲۷"	مس و سنگ جدید (گودین ۷) و اسلامی.

۵۲	تپه نزدیک روستای حصار سفید	دهستان نجف آباد	۷۰	۷۰ در ۹۰	۱۹۲۰	۳۵° ۴۸' ۷.۰۱" ۴۷° ۱۱' ۱.۰۹"	مس و سنگ میانی (دالمایی).
۵۳	تپه کلاه زرخانم روستای شیرکش پایین	دهستان نجف آباد	کنار چشمه	۷۰ در ۱۷۰	۱۹۵۱	۳۵° ۴۰' ۱۵.۰۸" ۴۷° ۲۱' ۲۰.۸۸"	مس و سنگ میانه، جدید و عصر آهن.
۵۴	تپه سرقلعه (در کین) روستای خراسان	دهستان نجف آباد	۵۰	۵۰ در ۱۲۰	۱۹۷۰	۳۵° ۴۳' ۳۳.۹۳" ۴۷° ۱۶' ۴۷.۵۲"	مس و سنگ میانی (دالمایی) و قرون میانه اسلامی.
۵۵	تپه هسیل ناوراست روستای باشوکی	دهستان نجف آباد	کنار چشمه	۱۰۰ در ۱۱۵	۱۹۰۱	۳۵° ۴۵' ۴۷.۴۸" ۴۷° ۱۶' ۳۵.۲۹"	مس و سنگ میانی (گودین ۸) و مس و سنگ جدید (گودین ۷) و عصر آهن ۳.
۵۶	تپه حیدریبگ (قلعه) روستای نجف آباد	دهستان نجف آباد	کنار چشمه	۱۵۰ در ۱۰۰	۱۸۵۰	۳۵° ۴۷' ۳۸.۷۷" ۴۷° ۱۴' ۲.۷۹"	مس و سنگ میانه، مس و سنگ جدید، قرون میانه اسلامی.
۵۷	تپه خرمن باشوکی	دهستان نجف آباد	کنار چشمه	۱۰۰ در ۱۰۰	۱۸۷۶	۳۵° ۴۶' ۱۷.۴۱" ۴۷° ۱۶' ۲۶.۶۲"	دوره مس و سنگ میانی (دالما) و دوران تاریخی.
۵۸	تپه ابراهیم آباد	دهستان نجف آباد	کنار رودخانه	۳۵۰ در ۱۵۰	۱۸۱۶	۳۵° ۴۶' ۷.۰۴" ۴۷° ۱۶' ۳۵.۹۴"	مس و سنگ جدید (گودین ۷).
۵۹	محوطه گله وران باشوکی	دهستان نجف آباد	کنار چشمه	۱۸۰ در ۱۰۰	۱۸۸۸	۳۵° ۴۵' ۲۸.۸۴" ۴۷° ۱۵' ۱.۳۳"	مس و سنگ جدید و عصر آهن.
۶۰	تپه روستای بودلا	دهستان خسرو آباد	کنار رودخانه	۱۰۰ در ۸۰	۱۸۸۸	۳۵° ۳۲' ۱.۷۹" ۴۷° ۳۴' ۱۸.۲۸"	مس و سنگ جدید (گودین ۷) و دوره اسلامی.
۶۱	تپه دول شیره محمد آباد نیل	دهستان خسرو آباد	کنار رودخانه فصلی	۱۰۰ در ۶۰	۲۰۱۳	۳۵° ۳۴' ۷.۷۰" ۴۷° ۲۳' ۴.۷۰"	مس و سنگ جدید، دوره تاریخی و اسلامی.
۶۲	تپه شمامه چشمه روباه	دهستان خسرو آباد	کنار رودخانه	۳۰ در ۴۰	۱۸۱۵	۳۵° ۳۰' ۴۳.۱۱" ۴۷° ۳۷' ۴.۹۱"	مس و سنگ میانی (دالمایی).
۶۳	تپه چم چوک (دوسر) روستای چشمه روباه	دهستان خسرو آباد	۳۰۰ چشمه	۷۰ در ۷۰	۱۷۹۴	۳۵° ۳۱' ۳۲.۱۰" ۴۷° ۴۰' ۰.۷۰"	مس و سنگ میانی (دالمایی) و عصر آهن.
۶۴	تپه گل دائی روستای دارغیث	دهستان بابارشانی	۱۰۰	۲۵۰ در ۱۰۰	۱۷۲۵	۳۵° ۴۱' ۵۶.۴۱" ۴۷° ۳۶' ۳۶.۹۳"	مس و سنگ میانی (دالمایی) و اسلام میانه.
۶۵	تپه کوسوار سلامت آباد	دهستان بابارشانی	۱۸۰	۱۵۰ در ۷۰	۱۶۴۶	۳۵° ۳۹' ۴۹.۸۸" ۴۷° ۵۰' ۱۴.۷۴"	مس و سنگ میانه (دالمایی)، دوره آهن و اسلامی.
۶۶	تپه کلنان سیرلان	دهستان بابارشانی	کنار چشمه	۱۰۰ در ۱۰۰	۱۸۱۷	۳۵° ۴۴' ۱۰.۴۳" ۴۷° ۳۸' ۳۲.۹۰"	مس و سنگ میانه قدیم (دالما) و مس و سنگ میانه میانه (سه گایی).
۶۷	تپه دره چمان روستای چشمه آدینه	دهستان بابارشانی	۵۰ چشمه	۷۰ در ۱۰۰	۱۷۸۰	۴۷° ۴۱' ۴.۳۲" ۳۵° ۴۳' ۸.۱۵"	مس و سنگ میانی، مس و سنگ جدید، آهن.
۶۸	تپه قشلاق غربی (دیونه) چهل امیران	دهستان بابارشانی	کنار رودخانه	۲۰۰ در ۱۸۰	۱۶۴۱	۳۴° ۴۴' ۱۱." ۴۷° ۵۲' ۵۴.۶"	مس و سنگ میانی (دالمایی)، مس و سنگ جدید (گودین ۷)، مفرغ.
۶۹	تپه در کین روستای سیرلان	دهستان بابارشانی	کنار چشمه	۲۷۰ در ۲۴۰	۱۸۰۰	۳۵° ۴۳' ۴۴.۶۷" ۴۷° ۳۸' ۱۳.۸۸"	مس و سنگ جدید، عصر مفرغ (پاتیک).
۷۰	تپه در کین دارغیث	دهستان بابارشانی	۲۸۰	۸۰ در ۶۰	۱۷۰۷	۳۵° ۴۱' ۷۱.۴۲" ۴۷° ۴۳' ۳۵.۴۵"	مس و سنگ میانی (دالمایی) و عصر آهن.
۷۱	تپه کانی قلقله ده بنه	دهستان بابارشانی	کنار چشمه	۴۵ در ۴۰	۲۰۷۹	۳۵° ۴۷' ۵۱.۱۱" ۴۷° ۴۶' ۳۱.۸"	مس و سنگ میانه (دالمایی)، تاریخی (اشکانی) و قرون میانه اسلام.
۷۲	تپه کانی جای کهریز	دهستان بابارشانی	کنار رودخانه	۲۰ در ۲۰	۱۶۳۷	۳۵° ۴۱' ۴۴.۱۰" ۴۷° ۵۳' ۱۳.۰۰"	مس و سنگ میانه (دالما) و اشکانی.
۷۳	تپه کلنان کهریز	دهستان بابارشانی	کنار چشمه	۴۰۰ در ۱۵۰	۱۶۷۳	۳۵° ۴۱' ۳.۷۲" ۴۷° ۵۳' ۱۴.۰۰"	مس و سنگ میانی (دالمایی) و سه گایی).
۷۴	محوطه روستای رضا آباد	دهستان بابارشانی	کنار رودخانه	۱۲۰ در ۱۱۰	۱۶۳۸	۳۵° ۴۵' ۴۸.۱۰" ۴۷° ۵۳' ۵۷.۱۱"	مس و سنگ میانه (دالمایی) و مس و سنگ جدید (گودین ۷).
۷۵	محوطه باستانی کنار جاده ی روستای حسن تیمور	دهستان پیرتاج	۹۰ چشمه	۱۲۰ در ۱۲۰	۱۹۶۷	۳۵° ۴۸' ۲۳.۵۵" ۴۷° ۵۸' ۷.۴۰"	مس و سنگ قدیم (دالمایی) و مس و سنگ جدید (شبیبه شرق دریاچه ارومیه).
۷۶	تپه چال شمالی پیرتاج	دهستان پیرتاج	کنار چشمه	۸۰ در ۴۰	۱۶۹۷	۳۵° ۴۶' ۵.۰۷" ۴۸° ۷' ۰.۳۲"	مس و سنگ جدید و مفرغ (پاتیک).

## سپاسگزاری

از هم‌یاری ارزنده جناب آقای محمدابراهیم الیاسوند جهت تکمیل اطلاعات میدانی و از راهنمایی‌های جناب آقای دکتر کمال‌الدین نیکنامی و جناب آقای سجاد علی‌بیگی نهایت سپاس و قدردانی را دارم.

## کتابنامه

- آذرشب، علی، بیگ‌محمدپور، مهدی؛ منتشر نشده. "گزارش بررسی سدهای استان کردستان در سال ۱۳۸۵"، آرشیو میراث‌فرهنگی استان کردستان.
- احمدی، حسن؛ اختصاصی، محمدرضا؛ و همتی، نعمت‌الله، ۱۳۸۶. "برآورد و مقایسه پتانسیل رسوبدهی فرسایش بادی و آبی با استفاده از مدل‌های MPSIAC 1 و IRIFR.E.A در مناطق نیمه‌خشک"، (مطالعه موردی: حوزه آبخیز نعمت‌آباد بیجار)، نشریه دانشکده منابع طبیعی، دوره ۶۰: ۱-۱۱.
- اسمیت، فیلیپ؛ یانگ، کایلر، ۱۳۸۲. "نیروی اعداد: فشار جمعیت در غرب مرکزی زاگرس، ۱۲۰۰۰ تا ۴۵۰۰ ق.م"، ترجمه کوروش روستایی، مجله باستان‌شناسی و تاریخ، سال هفدهم، شماره دوم: ۳۷-۵۱.
- الیاسوند، محمد ابراهیم، منتشر نشده. "بررسی باستان‌شناختی بخش سیلتان و خورخوره شهرستان بیجار در سال ۱۳۸۵".
- الیاسوند، محمد ابراهیم، منتشر نشده. "بررسی باستان‌شناختی بخش طغامین و سیاه‌منصور شهرستان بیجار در سال ۱۳۸۶".
- الیاسوند، محمد ابراهیم، منتشر نشده. "بررسی باستان‌شناختی بخش کرانی و گرگین شهرستان بیجار در سال ۱۳۸۷".
- افشین، یدالله، "رودخانه‌های ایران"، نشر وزارت نیرو، شرکت مهندسی مشاور جاماب، چاپ اول، ۱۳۷۳.
- بختیاری، ذبیح‌الله، منتشر نشده. "بررسی باستان‌شناختی بخش موش در سال ۱۳۸۷"، سازمان میراث‌فرهنگی استان کردستان.
- بروکس، یان، ای، ۱۳۷۷. ژئومورفولوژی اقلیمی ایران ۱، "شواهد ژئومورفولوژیک دگرگونی‌های اقلیمی در ایران طی بیست هزار سال گذشته (قسمت اول)"، ترجمه دکتر علی خورشیددوست، رشد آموزش جغرافیا ۴۷، صص: ۳-۱۲.
- بیگ‌محمدپور، مهدی، منتشر نشده، "گزارش فصل اول کاوش‌های باستان‌شناختی محوطه تاریخی امام‌زاده عقیل یاسوکنند"، سازمان میراث‌فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری استان کردستان در سال ۱۳۸۴.
- ثبوتی، هوشنگ، منتشر نشده. "گزارش بررسی شهرستان بیجار در سال ۱۳۷۱"، میراث‌فرهنگی استان کردستان، فصل اول.
- خسروی، شکوه، خطیب‌شهیدی، حمید، علی‌بیگی، سجاد؛ ۱۳۸۸. "حوضه آبریز ابهررود در دوره مس‌وسنگ: مروری بر استقرارهای دالمایی حاشیه شمال‌غربی مرکز فلات ایران"، پیام باستان‌شناس، سال ششم، شماره دوازدهم: ۳۷-۵۲.
- خسروی، شکوه، خطیب‌شهیدی، حمید، وحدتی‌نسب، حامد، علی‌بیگی، سجاد؛ ۱۳۸۹. "الگوهای استقراری دوران پیش از تاریخ در حوزه آبریز ابهررود"، مجله پیام باستان‌شناس، سال هفتم، شماره سیزدهم: ۲۳-۴۶.

- رحیمی سرخنی، رقیه، ۱۳۸۷، "پایان‌نامه کارشناسی ارشد با موضوع گاهنگاری نسبی و مطلق محوطه پیش از تاریخی سه‌چای-تپه در استان زنجان"، دانشکده ادبیات دانشگاه تهران.
- زاگارل، الن، ۱۳۸۷. "باستان‌شناسی پیش‌ازتاریخ منطقه‌ی بختیاری: ظهور شیوه‌ی زندگی در ارتفاعات"، ترجمه کوروش روستایی، شهرکرد، چاپ گنجینه نقش جهان.
- ساعدموشی، امیر، ۱۳۹۰. رساله دکتری با موضوع "بررسی الگوهای استقرار محوطه‌های دوران مس و سنگ شرق استان کردستان (حوزه آب‌گیر رودخانه قزل‌اوزن)"، دانشکده ادبیات دانشگاه تهران.
- ساعدموشی، امیر، نیکنامی، کمال‌الدین، کریمی، زاهد، عزیزی، اقبال، بهنیا، علی؛ ۱۳۹۰ الف. "الگوهای استقرار محوطه‌های مس‌سنگی میانه رودخانه تلوار (شهرستان‌های دهگلان و قروه)"، مجله پیام باستان‌شناس، سال هشتم، شماره شانزدهم، صص: ۱۷-۳۴.
- ساعدموشی، امیر، نیکنامی، کمال‌الدین، مشکور، مرجان، فاضلی نشلی، حسن، فیروزمندی شیره‌جینی، بهمن؛ ۱۳۹۰ ب. "گاهنگاری نسبی و مطلق تپه کلنان بیجار: محوطه‌ای متعلق به دوره مس و سنگ میانه در غرب ایران"، نامه‌ی باستان‌شناسی، شماره اول، دوره اول، صص: ۳۱-۵۶.
- ساعدموشی، امیر، آذرشب، علی، غفاری، زهرا؛ ۱۳۹۱. "تپه سرقلعه: شواهدی از سفال اوروک در استان کردستان و ارتباط آن با مسیرهای ارتباطی بین‌النهرین"، مجله پیام باستان‌شناس، سال نهم، شماره هجدهم، صص: ۳۷-۴۸.
- سامنر، ویلیام ماروین، ۱۳۷۷. "بررسی‌های فراگیر منطقه‌ای در خاور نزدیک: نمونه‌ای از ایران"، ترجمه کامیار عبدی، مجله باستان‌شناسی و تاریخ، سال سیزدهم، شماره اول: ۳۶-۵۱.
- سامنر، ویلیام ماروین، ۱۳۷۷. "بررسی‌های فراگیر منطقه‌ای در خاور نزدیک: نمونه‌ای از ایران"، ترجمه کامیار عبدی، مجله باستان‌شناسی و تاریخ، سال سیزدهم، شماره اول: ۳۶-۵۱.
- سعیدی هرسینی، محمدرضا. منتشر نشده. "بررسی و تحلیل داده‌های باستان‌شناختی حوزه رودخانه گاماسیاب در دوران مس‌سنگی"، رساله دکتری دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۵.
- عالی، ابوالفضل، ۱۳۸۵. "گزارش توصیفی بررسی و شناسایی باستان‌شناختی حوزه آبریز ابهررود"، پیام باستان‌شناس، سال سوم، شماره ششم، صص: ۱۷-۴۲.
- عزیزی، اقبال، منتشر نشده. "بررسی باستان‌شناختی منطقه بیجار در سال ۱۳۸۲"، آرشیو میراث‌فرهنگی استان کردستان.
- علایی طالقانی، محمود، ۱۳۸۶. "ژئومورفولوژی ایران"، نشر قومس، تهران.
- فخرالکتاب (سنندجی)، شکرالله، ۱۳۶۶. "تحفه ناصری در تاریخ و جغرافیای کردستان، تالیف با مقابله و تصحیح"، انتشارات امیرکبیر، تهران.
- کابلی، میر عابدین؛ ۱۳۷۸. "بررسی‌های باستان‌شناسی قمرود"، تهران، پژوهشکده باستان‌شناسی.
- مترجم، عباس، منتشر نشده، "گزارش فصل اول کاوش نجات‌بخشی Tal 12

(تپه قشلاق غربی چهل‌امیران) در سال ۱۳۸۹، آرشیو پژوهش‌گده باستان‌شناسی.  
- محمدی‌قصریان، سیروان، ۱۳۹۱. "بیستون و مناطق پیرامون آن در دوره نوسنگی  
و مس‌وسنگ" مجله پژوهش‌های باستان‌شناسی مدرس، سال چهارم، شماره ۸:  
صص: ۳۴-۴۷.

- محمودی، فرج‌الله، ۱۳۵۲، "جغرافیای ناحیه‌ای قروه-بیجار-دیواندره"، نشریه  
شماره ۹، گزارش‌های جغرافیایی.

- مرادی بیستونی، علیرضا، ۱۳۸۹. "ورگر، محوطه‌ای از اواخر دوره نوسنگی در شرق  
منطقه درود فرامان کرمانشاه"، باستان‌شناسی ایران، شماره ۱، صص: ۲۷-۳۴.

- مریوانی، محمد، ۱۳۸۲. "بیجار در گذر زمان"، تهران، انتشارات نیک‌پندار.  
- موحددانش، علی‌اصغر، ۱۳۷۳. "هیدرولوژی آب‌های سطحی ایران"، انتشارات  
سمت، تهران.

- موسوی، سید مهدی؛ حیدریان، محمود، ۱۳۸۷. "بررسی فراگیر باستان‌شناسی  
سنقر کلیایی"، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، شماره ۱۸۵-۴، دوره ۵۹، صص:  
۱۹۳-۲۱۴.

- نجفی، سیدالله، ۱۳۶۹، "جغرافیای عمومی استان کردستان"، انتشارات امیرکبیر.  
- نوروزی، علی‌اصغر، ۱۳۸۸. "مطالعات باستان‌شناسی در حوضه آب‌خیز کارون  
شمالی (استان چهارمحال و بختیاری)"، مطالعات باستان‌شناسی، شماره ۲، دوره ۱،  
صص: ۱۶۱-۱۷۵.

- نوری، نادر، منتشر نشده. "بررسی و شناسایی بخش مرکزی شهرستان کامیاران  
در سال ۱۳۸۹"، آرشیو سازمان میراث‌فرهنگی کردستان.  
- هژبری‌نوبری، علیرضا؛ پورفرج، اکبر، ۱۳۸۵. "تبیین دوران نوسنگی و کالکولتیک  
منطقه اردبیل براساس داده‌های باستان‌شناختی قوشاتپه شهریری"، مجله علمی  
پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، شماره ۲-۱۸، دوره ۵۷، صص:  
۱-۲۶.

- هول، فرانک، ۱۳۸۱. "باستان‌شناسی غرب ایران"، تهران، انتشارات سمت.  
- هول، فرانک، ۱۳۸۷. "نوسنگی در ایران"، ترجمه امیر ساعدموچشی، باستان‌پژوه  
شماره ۱۸، سال دهم، صص: ۷۳-۸۳.  
- ویت، ماری، ام، "تپه حاجی‌فیروز"، ۱۳۸۷. ترجمه علی صدراپی و صمد علیون،  
انتشارات گنجینه هنر.

- Abdi, K. 2003. "The Early Development of Pastoralism in the Central Zagros Mountains", *Journal of World Prehistory* 17(4): 395-448.

- Alibaigi, S, & Khosravi, S, 2009. "Tepeh Khaleseh: a new Neolithic and Palaeolithic site in the Abharrud basin in north-western Iran", *Antiquity*, Vol. 083.

- Alibaigi S, Khosravi S, & Ali, A, 2012. "Early villages and prehistoric sites in the Abharrud Basin, northwest of the Iranian Central Plateau", *Documenta Prehistorica XXXIX*: 459-472.

- Alizadeh, A. 1988. "Socio-economic and political complexity in south-western Iran during the fifth and fourth millennia B.C: The evidence from Tall-e Bakun A". *Iran* 26: 17-33.

- Crown, A. D. 1972. "Toward a reconstruction of the climate of Palestine

- 8000 B.C.–0 B.C", *Journal of Near Eastern Studies* 31(4): 312-330.
- Ghirshman, R. 1939. "Fouilles de Sialk", *Librarie Orientaliste paul Geuthner. Paris.*
  - Gilbert, A. S. 1983. "On the origins of specialized nomadic pastoralism in Western Iran". *World Archaeology* 15(1):105-119.
  - Goff, C. 1971. "Luristan before the iron age", *Iran* 9: 131-152.
  - Hamlin, C. 1975. "Dalma Tepe". *Iran* 13: 111-128.
  - Henrickson F. E, Vitali, V, 1987. "The Dalma tradition: Prehistoric inter-regional cultural integration in highland western Iran", *Vol.13/2: 37-45.*
  - Henrickson, F. E. 1985. "An updated chronology of the early and middle chalcolithic of the central Zagros highlands". *Western Iran, Iran XXIII: 63-108.*
  - Henrickson, E. F. 1985b. "The early development of pastoralism in the central Zagros highlands (Luristan) ". *Iranica Antiqua: 1-42.*
  - Henrickson, F. E. Vitali, V. 1987. "The Dalma tradition: Prehistoric inter-regional cultural integration in highland western Iran", *Iran* 13 (2): 37-46.
  - Hole, F. 1989, "Pattern of burial in the fifth millennium, in upon this foundation", *The Ubaid Reconsidered: proceedings from the Ubaid Symposium Elsinore May 30th – June 1st 1988, (Henrickson E. F. and Thuesen I.) eds. Copenhagen: Carsten Niebuhr Institute Publication (10):149-180.*
  - Howell, R, 1979. "Survey of the Malayer plain", *Iran* 17: 156-157.
  - Levine, L. D, and Mc Donald, M.A, 1977. "The Neolithic and Chalcolithic Periods in the Mahidasht", *Iran* XV: 39-50.
  - Levine. L. D. and Young. Jr, T. C, 1988. "A Summary of the ceramic assemblages of the central western Zagros from the middle neolithic to the late third millennium B.C", *Colleques Internationau, CNRS, Paris, pp: 15-53.*
  - Majidzadeh, Y, 1981. "Sialk II and the pottery sequence at tepe Ghabristan", *The Coherence of the Cultures of the Central Iranian Plateau, Iran XIX: 141-146.*
  - Majidzadeh, Y. 2008. "Excavation at Tepe Ghabristan, Iran" *IsMEO, Rome.*
  - Mcdonald, M, M, A., 1979. "An examination of mid-Holocene settlement pattern in the central Zagros region of Western Iran", a thesis submitted in conformity with the requirements for the degree of doctor of philosophy in the University of Toronto.
  - Mortensen, P. 1974. "A Survey of Prehistoric Settlements in Northern Luristan". *Acta Archaeologica* 45: 1-47.
  - Purser, B. H. 1973. "The Persian Gulf, Holocene Carbonate Sedimentation in a Shallow Epi continental Sea". *New York: Springer-Verlag.*
  - Solecki, R, L, & Solecki, R, S, 1973. "Tepe Seavan, A Dalma period site in the Margavar valley Azerbaijan", *Iran, Bulletin of the Asian institute* 3: 98-116.
  - Solecki, R. 1999. "An archaeological survey in western Azerbaijan, Iran". *The Iranian World: Essays on Iranian art and archaeology presented to Ezat O. Negahban, (eds) Abbas Alizadeh, Yousef Majidzadeh and Sadegh Malek Shahmirzadi, Iran, University press, Tehran, pp: 28-43.*
  - Solecki, R. S. 1969. "Survey in Western Azerbaijan" *Iran* 7: 189-190.
  - Stein, A, 1938. "An Archaeological Journey in Western Iran", *The Geo-*

graphical Journal, Vol. 92(4): 313-342.

- Swiny, S, 1975. "Survey in North-West Iran 1971", East and West 25(1-2):77-98.

- Valipour, H, R, Davoudi, H, Mostafapour, I, and Gręzak, A, 2013. "Tepe Khaleseh, a Late Neolithic Site in Zanzan Province", The Neolithisation of Iran: 147-177.

- Van Ziest, W. and Wright Jr. HE, 1963. "Preliminary pollen studies at lake Zeribar", Zagros mountain, southwestern Iran, science 140: 65-67.

- Voigt, M. M. 1989. "Northwest Iran in the fourth millennium B.C". Paléorient 15(1): 286-288.

- Wilkinson, T.J. 2003, "Archaeological survey and long-term population trends in upper Mesopotamia and Iran", Yeki bud, Yeki Nabud (Essay on the archaeological of Iran in honor of William M. Sumner), (Miller, N. F and Abdi, K.) eds. Los Angeles: 39-52.

- Wright, H. E, Jr, 1983, "Climatic changes in the Zagros mountains", prehistoric Archaeology along the Zagros flanke, (Braidwood, L.S. and Braidwood, R.J and Howe, B. Reed, C. and Watson, P.J.) Eds. The Oriental institute of the University of Chicago: 505-510.

- Wright, H.T. Neely, J. A. Johnson, G.A. and Speth, J. 1975. "Early Fourth Millennium Developments in South Western Iran", Iran13: 129-147.

- Young Jr, C. 1969." Excavations at Godin Tepe, First Progress Report". Royal Ontario Museum, Occasional Paper 17.

- Young, Jr. T.C., 1966. "Survey in Western Iran, 1961", Journal of Near Eastern Studies 25: 228-239.

- Zarins, J. 1992. "The early settlement of southern Mesopotamia: A review of recent historical, geological, and archaeological research", Journal of the American Oriental Society, 112(1): 55-77.

plain towards the grasslands. Moreover, proximity to the springs, intact area, small size, and the weak thickness of material culture, all refer to temporary use of the site clusters. The periphery of Bijar County in the Kurdistan province and other provinces is highland and it seems that has been occupied by specialized pastoralism and probably belongs to transhumance pastoralist peoples as this way of life is still common. The undertaken ethnoarchaeology studies by author showed that the transhumance practices in the contemporary village is currently available to observe. Transhumance pastoralism in the Chalcolithic Period can be suggested in the some sites having less than 500 m<sup>2</sup>, and even less than 150 square meters. Second parts of the first cluster are sites that located in the lowest area in the Bijar County proposed to practice transhumance pastoralist subsistence during all over the year. On the base of our data in the ethnoarchaeological survey, some of the village along the big river with lower bed were not able to control the river by the spring. The second group of sites distributed in all area including mountains, plains, along the river and streams, and based on settlement pattern, extension and the bulk of material culture, they could be sedentary villages. It is possible that the sites of this and third cluster can make the part of the first cluster. The third cluster are the sites that bigger than 3 hectares. These sites are located at the center of Plain close to the large river, where the paths have low elevation and could play a central role in the settlement pattern. Almost three clusters in both the Middle and Late Chalcolithic Period can be classified.

**Keywords:** Bijar County, Chalcolithic Period, Qezel Awzan River basin, Settlement Patterns, History of Sedentary Society.

PAZHESH-HA-YE  
BASTANSHENASI IRAN  
Archaeological Researches of Iran  
Journal of Department of Archaeology,  
Faculty of Art and Architecture  
Bu-Ali Sina University



---

## The Qezel Owzan River Basin During the Chalcolithic Period Based on Archaeological Surveys of Bijar County

---

**Amir Saed Mucheshi**

Assistance Professor Payam-e Noor University of Hamadan  
Amir80sm@yahoo.com

Received: 2013/10/13 - Accepted: 2014/02/12

### **Abstract**

This paper is trying to introduce the sites, ceramic traditions and Chalcolithic settlement patterns of the Bijar County in the Qezel Awzan River basin which have been collected over six seasons of survey in the Bijar County. The total number of recorded sites are 76 attributed to the Chalcolithic Period. The history of sedentary life in the region it seems to be backed as early as the Middle Chalcolithic period along major watercourse and alluvial plain, suggesting the expansion of agricultural regime over the region. The lack of the earlier settlements before the Middle Chalcolithic period could be explained by existence of drier and cooler climate of the region as it is in other parts of the East Central Zagros. The number of middle chalcolithic sites reached to 56 and this period is characterized by three distinct Wares: Dalma Impressed, Red-slipped and Black-on-Buff while, the Late chalcolithic is characterized by Godin VII and VI and partially Pisdeli wares and the number of sites dropped to 33. Despite to dramatic change in the number of sites, the settlement patterns show major change. Here, in the Middle and Late Chalcolithic Period, three clusters of settlements can be proposed: 1- Less than half a hectare, 2- Between half to three hectares and 3- Over three hectares. The dramatic reduction of sites and decrease of big sites with bigger than three hectares extent, and a tendency to occupy the early basin, suggesting an increasing reliance on proximate village-based herding or pastoralism. Several Middle Chalcolithic sites have been abandoned, while the Late Chalcolithic sites are extended suggesting an emigration of people from Middle to Late chalcolithic sites or move from earlier to later sites. The rank-size models of settlement patterns show a wide range of differences, including central sites, sedentary sites and campsites. The first cluster includes sites with less than half a hectare and Part of these seem to be temporary campsites beyond the agricultural zone in the peripheries of the

**PAZHOSHESH-HA-YE BASTANSHENASI IRAN**  
**Archaeological Researches of Iran**  
**Journal of Department of Archaeology, Faculty of Art and**  
**Architecture Bu-Ali Sina University**  
**Vol. 3 No.5, Autumn-Winter 2014**



License Holder (Publisher): **Bu-Ali Sina University**  
Manage Director & Editor-in-Chief: **Mohammad Ebrahim Zarei Ph.D.**

**Editorial Board:**

**Jalaledin Rafifar Ph.D**

Professor in Faculty of Social Sciences University of Tehran

**Bahman Firouzmandi Shirejini Ph.D.**

Associate Professor, Department of Archaeology in University of Tehran

**Yaghub Mohammadifar Ph.D.**

Associate Professor, Department of Archaeology in Bu-Ali Sina University

**Abbas Motarjem Ph.D.**

Assistant Professor, Department of Archaeology in Bu-Ali Sina University

**Mehdi Mortazavi Ph.D.**

Associate Professor, Department of Archaeology in Sistan & Baluchestan University

**Kazem Mollazadeh Ph.D.**

Associate Professor, Department of Archaeology in Bu-Ali Sina University

**Hekmatollah Mollasalehi Ph.D.**

Associate Professor, Department of Archaeology in University of Tehran

**Seyed Rasoul Mousavi Haji Ph.D.**

Associate Professor, Department of Archaeology in Mazandaran University

**Reza Mehr Afarin Ph.D.**

Associate Professor, Department of Archaeology in Mazandaran University

**Kamal-Aldin Niknami Ph.D.**

Professor, Department of Archaeology in University of Tehran

**Ali Reza Hozhabri Nobari Ph.D.**

Professor, Department of Archaeology in Tarbiat Modares University

English Editor: **Ardashir Javanmardzadeh**

Executive Director: **Safaneh Sadeghian**

Cover Design: **Gholam Reza Shamlou**

Logo Type: **Professor Ahmad Teymouri**

Layout: **Khalilollah Beik Mohammadi**

Address: **Faculty of Art and Architecture, Bu-Ali Sina**  
**University, Ghoobar-e Hamedani blv, Hamedan, Iran**

E-Mail: **NBJ@basu.ac.ir & Journal.nbsh@yahoo.com**

Tel: **0811 - 8291129**, Fax: **0811 - 8290941**

Price: **9000 Toman**

**(All right reserved for the Bu-Ali Sina University)**



ISSN: 2345-5225

Online ISSN: 2345-5500



### **Main Characteristics of Acceptable Articles:**

- The aim of the "PAZHOHESH-HA-YE BASTANSHENASI IRAN" Archaeological Researches of Iran journal is to publish the "researches and scientific experience in archaeology and history of art and architecture".
  - The article must be the result of author(s) research and has not been published in other journals.
  - The acceptance of article for publish is depending on scientific judgment and editorial board approval.
  - The responsibility of the scripts is remains with the author (s).
  - The article must be provided in A4 (21×30 cm), B Mitra (13) font, with 2003/ 2007 office word format, as well as the peripheries must be adjusted.
  - The opportunity of submission is provided by e-mail (Journal.NBSh@Yahoo.Com & NBJ@basu.ac.ir).
  - The first page must contains the correspond authors' name and complete postal address and phone number, e-mail, institute and his/ her position.
  - The permission and name of advisor professor is needed, if the article is the result of thesis.
  - The articles must be arranged as: title, abstract, introduction, research methodology, and literature review, theoretical bases, body, conclusion, acknowledgments, reference cited and English abstract.
  - The Persian abstract must mentions to the whole body of the article and not to be more than 300 words.
  - The English abstract must mentions to the main parts and the conclusion of the article and not to be more than 600 words.
  - The charts' names must be mentioned with number on top and the figures, maps, plates and graphs with number below. The resources and references must be mentioned.
  - The figures, maps, plates and graphs must be within the text and an apart version of them in jpg with 300 dpi resolutions, also needed separately.
  - The article must not be more than 20 pages in given format.
- Only Persian articles can be submitted to be published.
- The "title" includes the topic, first and last name of author(s), position and the institute; the title must declare the content.
  - The abstract is short explanation, but clarifying the whole article content: the problem, research aim, essence, main points and conclusion.
  - The keywords must include 4-6 words showing their quantity and importance in the article.
  - The introduction includes designing the main problem, which is the main goal of the author to write the article; in the introduction, the literature review, hypothesis and the questions must be noted.
  - Research methodology includes a brief note of the procedure of doing the research discussion, conclusion and acknowledgments includes the article body and concluding remarks using reasonable and clarifying method; it cans be illustrated by chart, figure, graph and etc.
  - Acknowledgments will be written at the end of the article; the author(s) will remind the useful comments and briefly thanks the corresponding people.

### **Referring Method:**

- The mentioned references in the article body must be documented among the most acceptable references.
- The forgotten or attributed references, the mentioning references must be addressed.
- To refer inside the article: last name, publication date: page(s) number; I.E.: Negahban, 1378: 112-5).
- About the oral references (interview with scholars) must be referred as mentioned in below and must be addressed in acknowledgments (Hoseyni, the Interviewee, 12/1/1390).

### **The Final Referring:**

#### **Persian:**

##### **Refer to a Book:**

- Last name, name, (name and last name of co-authors); date of publish, "Title", translated by..., volume(s), publication place, publisher.
- Refer to encyclopedias, seasonal journals, journals and etc.:
- Last name, name, (name and last name of co-authors); date of publish, "Title", encyclopedia/ journal name, volume(s), publication place, publisher, page(s) number.

#### **Latin:**

- In the Latin references the first letter must be caps lock and between spaces must be a virgule.

##### **Refer to A Book:**

- Ward-Perkins, J.B 19 Roman Imperial Architecture London, Penguin Books.

##### **Journals:**

- Trinkaus, E. 1982. Artificial Cranial Deformation in the Shanidar1 and 5 Neanderthals, Current Anthropology 23(2): 198-199.

##### **Refer to Complex Articles (Edited):**

- Liverani, M 2003, "The Rise and fall of Media" Continuity of Empire (?): Assyria, Media, Persia, (Lanfranchi, G.B And Others) Eds. Padova, 1-12.

##### **Dissertations:**

- Bloom, D.E. 1999. Tiwanaku Regional Interaction and Social Identity, a Bio archaeological Approach, PhD Thesis, Department of Anthropology, University Of Chicago.

##### **Some Notes on Referring:**

- The bibliographic resources must be arranged alphabetically either based on author's names or resources; these are the referred resources inside the article.
- In case of two or more reference of same author, they must arrange from early too late.
- In case of two or more reference of same author with same date, it must arrange as: (Majidzadeh, 1387 A: 15) and (Majidzadeh, 1387 B: 35).
- If the author is unclear, the title will be replaced.
- The title of books and articles must be fully described.
- The non-Persian references must come after Persian, as: Arabic, English, French and etc.
- Any explanation other than references must come as endnote.
- Scientific- research articles the publishing request of the Author (s) should be sent to the journals' secretary to this address: faculty of art and architecture, Gobar-E Hamedani Blvd., Journals' Office, Palestine Sq. Hamadan, Iran or the E-mail of the Journal: Journal.nbsh@yahoo.com / NBJ@basu.ac.ir



BU-ALI SINA UNIVERSITY

5

# *PAZHOHESH-HA-YE BASTANSHENASI IRAN*

ISSN: 2345-5225

Online ISSN: 2345-5500

Archaeological Researches of Iran

Vol. 9 No. 5 Autumn-Winter 2014

Journal of Department of Archaeology, Faculty of Art and Architecture Bu-Ali Sina University

The Chipped Stone Industry of East Chia Sabz, Seymareh Dam: Technological Changes from Transitional Neolithic to Aceramic Neolithic Time in Western Iran .....	7-24
Hojjat Darabi .....	7-24
The Qezel Owzan River Basin During the Chalcolithic Period Based on Archaeological Surveys of Bijar County .....	25-50
Amir Saed Mucheshi .....	25-50
An Investigation of the Cultural Changes of Kangavar Plain from the Chalcolithic to the Late Bronze Age According to the Settlement Models .....	51-62
Abbas Motarjem & Tayebe Almasi .....	51-62
Petrographic Study of the Iron Age Pottery of Huto Cave .....	63-78
Amir Sadeq Naqshineh, Elnaz Hatami & Houman Nikravan Matin .....	63-78
The Parthian Settlements and Sites in the Qeshm Island .....	79-100
Alireza Khosrowzadeh .....	79-100
Archaeological Survey of the Nishabur Cultural Zone from the Early Islamic Metallurgy Mining Viewpoint .....	101-120
Solmaz Haji Alilou & Hayedeh Laleh .....	101-120
Introducing and Typology of Islamic Potteries from Baluchistan Region, Mokran South .....	121-140
Seyyed Rasoul Mousavi Hajji, Mohammad Mehdi Tavassoli, Rouhollah Shirazi & Maryam Zour .....	121-140
Gunbad-e Qabus: Study of Structure, Technical Features and Historical Backgrounds of Construction .....	141-154
Maryam Mohammady, Kazem Molazadeh & Sina Faramarzy .....	141-154
An Analytical Rresearch on the Flaunts of Quran Verses on Iranian Metallurgy During Safavid and Qajar era "According to the Metal Works of National Museum of Iran" .....	155-168
Majid Sarikhani .....	155-168
Investigating the Role of Geomatics Engineering in the Applications of Cultural Heritage, Archeology and Architecture .....	169-195
Saeed Ali Tajer & Somayyeh Afshari Azad .....	169-195